

# اطلاعات

سه شنبه ۱۷ دی ۱۳۹۸ = ۱۱ جمادی الاول ۱۴۴۱ - ۷ ژانویه ۲۰۲۰ سال نود و چهارم - شماره ۲۷۴۷۰  
۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - تک شماره ۲۰۰۰ تومان



\* حضرت آیت الله خامنه‌ای با حضور در دانشگاه تهران  
با چشمانی اشکبار بر پیکر سپهبد شهید قاسم سلیمانی  
و همزن مانش نماز اقامه کردند  
\* دختر شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی: پدرم با دشمنان  
اسلام و انسانیت شجاعانه پیکار کرد  
\* آمریکا و صهیونیست بدانند شهادت پدرم روزگار آنها را  
تیره و تار و خانه‌های عنکبوتی آنها را فرو خواهد ریخت  
\* اسماعیل هنیه: سردار سلیمانی «شهید قدس» است  
\* مراسم شام غریبان شهادت سردار سلیمانی امشب  
در سراسر کشور برگزار می‌شود  
\* صدها هزار نفر از مردم قم پیکرهای پاک شهدای مقاومت را  
از حرم حضرت معصومه (س) تا مسجد جمکران  
تشییع کردند

## ستاره‌ای بر شانه‌های محزون شهر



# مک‌کوش برکت تجراییان

ایرانکته‌اشم

## سیمای جهانی در تهدید و ابهام!

«در محک دو روز قبل نوشته شد، بازترین تعریف از شخصیت و تجربه و تربیت، قلدری و آشفته‌سازی است. کارنامه ریاست‌جمهوری او در مرامپ از زمانی که در کاخ‌سفید مستقر شد تا امروز، همین ویژگی را از او نشان می‌دهد که اکنون محصول آن بحران و آشفتگی در اغلب مناطق جهان و به‌ویژه در خاورمیانه است.

تورر سردار قاسم سلیمانی و هم‌راهان او در بغداد، برآمده از خصلت و فرهنگ قلدری رئیس‌جمهوری آمریکا برای تحقق منافع یا تثبیت فاشننگ سیر «آشفته‌سازی» است. در کنار استمرار این تعریف و تجربه از ریاست‌جمهوری ترامپ اکنون سیاستمداران برجسته و شخصیت‌های فرهنگی – سیاسی آمریکا موجی از اعتراض‌ها و خطر کلیدخوردن جنگ جدیدی را می‌نویسند و این جمله که ترامپ آمریکا و جهان را بسوی جنگ ویرانگر سوق می‌دهد در رسانه‌های آمریکا و اروپا کلید واژه اصلی و هشداردهنده شده است.

ترامپ نه به این هشدارها توجه می‌کند و نه به رهنمودهای دوستان آمریکا و رؤسای کشورهای اتحادیه اروپا، انگلیس، فرانسه و آلمان بها می‌دهد و ارزشی قائل است. سیاست او بر اساس الگوی «قلدری و آشفته‌سازی» ادامه دارد.دیروز «جسو یایدن» معاون اول ریاست‌جمهوری در دوران اوباما و رفیق ترامپ از حزب دمکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری، به ابراز تأساف از دیدگاه و شیوه مدیریت ترامپ، به‌ویژه در سیاست خارجی او، گفت «متأسفانه ما اغلب دوستانمان را به‌ویژه در ناتو از دست داده‌ایم و آمریکا گام به گام در فضای بین‌المللی تنها منور می‌شود و این ناشی از مدیریت رئیس‌جمهوری ما، ترامپ است.

ریشه روال مدیریتی ترامپ در سطره صهیونیست‌ها به کاخ‌سفید نهفته است. در ویتنر معاونان و مشاوران اصلی ترامپ کسانی ازجمله پمپئی، رئیس کلبی مسیا و وزیر خارجه کنونی ترامپ و افرادی دیگر دیده می‌شوند که پیش ازمنافخ آمریکا در خدمت منافع صهیونیست‌های سرزمین‌دار در آمریکا و به‌تقدیر در خدمت صهیونیستی اسرائیلی هستند. این چرخه مادام که «قاتل‌ها» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی است، نه تنها قطع نمی‌شود که با شدت افزوده‌تر ادامه خواهد داشت.

۲- به جز «قاتل‌ها» هیچ کشور و دولتی اقدام تروریستی آمریکا در عراق را تأیید نکرده است و آن را بسبب سراز خطرناک برای جنگی برپا کرده‌اند. در این کشور چنان تعداد سیاسی را به‌یهم ریخته است که خاورمیانه را به سمت «تهدید، انتقام و جنگ» سوق می‌دهد. در حالی که بسیاری از سران کشورهای جنگه دولت‌های انگلیس، فرانسه و آلمان به تلاشند تا فضایی خطرناک نباشد، «تهدید و جنگ» را تعدیل و تغییر دهند، بعد از تصویب لایحه در مجلس عراق که نمایندگان دولت مردم عراق، خواهان خروج ریه‌های ارتش آمریکا از کشور و خروج خودشانند، و عادل عبداللهادی در مجلس عراق گفت: «خروج نظامیان آمریکا از عراق به نفع آمریکا، عراق و همه کشورهای است؛ ترامپ که در هوایمای مخصوص ریاست‌جمهوری با خبرنگاران صحبت می‌کرد در پاسخ به خبر تصویب لایحه در پارلمان عراق به درخواست دولت این کشور برای ترک نظامیان آمریکایی از عراق به خبرنگاران گفت: ما (آمریکا) یک پایگاه بسیار ویژه و راهبردی نظامی در آنجا مستخدمیم که بلیون‌ها دلار هزینه برای آمریکا داشته است، ما آنجا (عراق) را ترک نمی‌کنیم، مگر اینکه آنها (دولت عراق) هزینه ساخت و نگهداری این پایگاه را بپردازند» ترامپ سپس گفت: «... اگر عراقی‌ها به دلایل غیردولتانه از بلیون‌ها ایالات متحده هزینه‌های این کشور را ترک کنند، ما این کشور را به صورتی تحریم می‌کنیم که هیچ‌یک که گذشته اتفاق نپافته است، تحریم‌ها علیه عراق طوری خواهد بود که تحریم‌های اعمال شده ایران را به مقایسه با آن، ناچیز به نظر بیایند.» خبرگزاری‌ها با انعکاس این گفته‌های ترامپ نوشتند:« در عراق حدود ۵۰۰ نفر نیروی نظامی آمریکایی حضور دارند».

سیمای کنونی بین‌المللی در چرخه سیاست «تهدید و ابهام» ترامپ مجبور شده است. در سیاست استبدادی می‌گویند، تهدید و احتمال نابودی نیست و هیوسه ناپایدار است. این هر دو را در حیطه بحران‌زدگی و خطرهای آن محاسبه و ارزیابی می‌کنند که یا باید هر سه سریع‌تر از مسیر تعدیل به حیطه برسد یا وارد جنگی شود که همه در آن زیان خوارندند. در جنگ در شرایط کنونی به نفع هیچ دولت و کشوری نیست. این ارزیابی را علاوه بر کشورها و دولت‌ها، اغلب کارشناسان اقتصادی و سیاسی نوشته‌اند. این را شرایط، چنین به ترامپ هشدار داده است که به‌تقدیر قدرت نظامی آمریکا را در رخ نکشد و محور سیاست را بر تهدید نظامی استوار نکند. روسیه در حالی که سردر سراز قاسم سلیمانی و عملیات نظامی ایران در خاک عراق را محکوم کرده است، اما هنوز بوی به ترامپ هشدار لازم را نداده است و در برابر سیاست قلدری و آشفته‌سازی او با تهدید مداوم نظامی دولتها و ملت‌ها، چه موضوعی دارد؟ در این میان قیمت نفت از مرز ۷۰ دلار گذشته است و مباحثات و به افزاشی است، «تهدید و ابهام» اگرچه ناپایدار است اما از هم‌اکنون هر ج و مرج را در اجرای سیاست و سیاستمداری در جهان به اوج خود رسانیده است.

## دهقان: پاسخ ایران به جنایت آمریکا بر مبنای درایت و منطق خواهد بود

وزیر دفاع سابق ایران گفت که پاسخ ایران به ترور سردساز سلیمانی، بر مبنای درایت و منطق و قیاس خواهد بود.

به گزارش فارس، «حسین دهقان» مشاور فرماندهی کل قوا در حوزه صنایع دفاعی و پشتیبانی از نیروی مسلح ایران که اشاره به شهادت سردار سلیمانی افزود که آنچه آمریکایی‌ها انجام دادند، هیچ ارزشی از ناحیه نظامی و اطلاعاتی ندارد.

وی ادامه داد: «نیود شهیدد حاج قاسم،پایان محور مقاومت نیست، بلکه

آغازی برای نهضت جدید جبهه مقاومت است».

وزیر دفاع سابق ایران تصریح کرد: «پاسخ ایران بر مبنای درایت و منطق و بازدارنده و مؤثر خواهد بود».

دهقان گفت: «ما وارد جنگ تمام عیار با آمریکا تحت هیچ شرایطی نخواهیم شد و در حد و اندازه حمله آمریکا پاسخ خواهیم داد».

مشاور فرماندهی کل قواافزود: «واشنگتن در پیام‌های خودبه ایران از ما خواسته

است که از پاسخ خود اجتناب کنیم، چون تمایلی به جنگ با ایران ندارد».

دهقان که با نمایانن گفتگو می‌کرد، تصریح کرد: «آنها اینجام آمده، به معنای پایان حضور نظامی آن در منطقه است. منطقه دیگر برای نیروهای آمریکایی

امن نیست».

وزیر دفاع سابق ایران اعلام کرد که «اگر آمریکا در فکر جنگ با ایران است، ممکن است جنگ جهانی جدیدی آغاز شود. ترامپ تا حدی که جنگ را آغاز

نخواهندد».

وی تهدید کرد که «اگر آمریکا به داخل ایران حمله کند، هر نقطه حضور آمریکا را در منطقه قرار خواهیم داد».

**شخصاتی: پاسخ ما به آمریکا فقط نظامی نیست**

دبیر شورای عالی امنیت ملی هم با اشاره به قانون مصوب پارلمان عراق در باره اخراج نظامیان آمریکایی از این کشور افزود: «پایان این قانون، تداوم حضور آمریکا در عراق به منزله اشغال این کشور است».

درپایان علی شمخانی دردیدار سرلشکر «علی معلوک» مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهوری سوریه که به عنوان نماینده وزیر مشاور شد به تهران سفر کرده

است، با تشکر از پیام تسلیت و ابراز همدردی رئیس‌جمهوری و مردم سوریه اظهار داشت: «آمریکایی‌ها ه نظم سلطه به زودی متوجه خواهند شد که شهادت قاسم

سلیمانی برای آنان به مراتب خطرناکتر از حیات او خواهد بود.

وی با اشاره به حضور حماسی و بی سابقه مردم قدرشناس عراق در مراسم تشییع شهدای سلیمانی و ابومهدی المهندس و همچنین اقدام انقلابی پارلمان عراق در تصویب قانون اخراج نظامیان آمریکایی از عراق گفت:دولت،پارلمان ومردم عراق درانتقامگیری ازآمریکا پیسندقم شده‌اند و بااین دو اقدام بزرگ سبلی سختی به ترامپ و نیم جانیانکار او وارد کردند.

وی با اشاره به قانون مصوب پارلمان عراق در باره اخراج نظامیان آمریکایی

از این کشور افزود: با ابلاغ این قانون، تداوم حضور آمریکا در عراق به منزله اشغال

## روحانی: باید در برابر اقدامات مداخله جویانه آمریکا بااستیم

رئیس‌جمهوری تاکید کرد: باید با گسترش روابط و همکاری‌های تهران-بغداد در برابر اقدامات تجاوزگرانه و مداخله جویانه آمریکا ایستادگی کرد.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در تماس تلفنی ابرهم صالح» رئیس‌جمهوری عراق با وی، تاکید کرد: تهران شهادت حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و هم‌راهان آنان برای دولت بزرگ ایران و عراق بسیار سخت و موجب داغدار شدن دو ملت بزرگ شد.

رئیس‌جمهوری با بیان این که مواضع صریح دولت عراق و حضور مردم این کشور در مراسم تشییع پیکرهای شهدای این واقعه در بغداد، کربلا و نجف موجب کاهش آلام و تنگی خاطر ملت داغدار ایران شد، اظهار امیدواری کرد ـ با اقدامات



مناسب دو دولت و دولت توانمند این فقدان بزرگ را جبران و روابط دوستانه و برادرانه خود را بیش از پیش گسترش دهد.روحانی اقدام پارلمان عراق در تصویب لزوم خروج نیروهای آمریکایی از این کشور را حائز اهمیت و آغازی برای توسعه ثبات و امنیت بیشتر در منطقه برشمرد و گفت: مطمئنا خون سرداران بزرگ مقاومت در تحولات جدیدی در منطقه می‌ششود ـ و عاملی برای پیوند مستحکم ملت دو کشور خواهد بود.

رئیس‌جمهوری با تاکید بر روابط تاریخی دو کشور و دو ملت،افزود: ضرورت دارد در چارچوب حق امنیت، حاکمیت و سیادت مردم بزرگوار عراق با قاطعیت ایستادگی کنیم و قطعاً ملت و دولت ایران چون گذشته از حاکمیت عراق دفاع خواهد کرد.

روحانی با تقدیر از مواضع مهم مرجعیت عراق و پیام تسلیت آیت الله العظمی سبستانی به رهبر معظم انقلاب، این پیام تسلیت‌دهنده است که می‌توانیم این راه سخت و دشوار را با حمایت رهبران بزرگ بهتر از گذشته ادامه دهیم.رئیس‌جمهوری اظهارتشدید: دولت و ملت عراق روزهایی سختی را گذرانداند و امیدوارم با تلاش و تدبیر دولت عراق، شاهد امنیت، ثبات و وحدت ملی بیشتر در این کشور باشیم.

روحانی با بیان این که دولت و ملت ایران و عراق چون گذشته در کنار هم خواهند بود، تصریح کرد: شهید سلیمانی سلیمانی برای امنیت منطقه، ایران و عراق تلاش‌های فراوانی کرد و اگر نبود این راه و مجاهدت‌های او در شب سخت هجوم داعش به اربیل، قطعاً این شهر سقوط می‌کرد.

رئیس‌جمهوری افزود: شهید سلیمانی در آن شب سخت با شجاعت در کنار مردم کرد و عرب عراق ایستادگی کرد و شهادت او نه فقط برای مردم ایران بلکه برای ملت عراق هم بسیار دردناک است.

روحانی تاکید کرد: باید به گونه ای عمل کنیم که دشمنان بداندند نمی‌توانند در

روابط دو ملت خودشان را خنثی وارد کنند.

«برهم صالح» هم در این گفتگوی تلفنی شهادت سرد شهید سبهد حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس معاون خشدالشعبی و هم‌راهان آنان در اقدام جنایتکارانه آمریکا را محکوم و برای دو ملت ایران و عراق دانست و گفت: علاوه بر مردم در شرایط بهتری با شما صحبت کنیم. اما اکنون همه در شرایط سختی به سر می‌بریم. و همه در برابر فتنه ای بزرگ قرار داریم که امیدوارم با مدیریت حکیمانه مسئولان جمهوری اسلامی از این فتنه بزرگ سریند. تهران بسیار پاییم و توانیم صلح و ثبات را در منطقه ایجاد کنیم.رئیس‌جمهوری عراق با تاکید بر پیوندهای عمیق و تاریخی دو ملت ایران و عراق اظهار داشت: بی تردید حلدت و دوستی دو ملت سهم بسزایی در ایجاد امنیت در منطقه ایجاد کرده‌ام. با اشاره به ضرورت تأشیر دو ملت، توسعه، تقویت و تحکیم همه جانبه مناسبات و همکاری‌های فی مابین اظهار داشت: ثبات و آرامش در منطقه از اولویتهای دو ملت و دو کشور است و مطمئناً با گسترش بیش از پیش روابط می‌توانیم در این مسیر گام برداریم.

همزمان با برگزاری مراسم تشییع پیکر سبهد شهید قاسم سلیمانی در تهران سرگازم ایران، رسانه‌های خارجی اخبار مربوط به حضور میلیونی مردم در این مراسم را انعکاس دادند.

به گزارش ایسنا، خبرنگار نیویورک تایمز با انتشار پیام‌های متعدد در حساب کاربری خود در توئیتر به پوشش لحظه به لحظه این مراسم پرداخته‌است.خبرگزاری بی‌کرن از مردم در مراسم تشییع قاسم سلیمانی حضور یافته‌اند. من همیشه راهپیمایی‌های چند هزار نفره در راهی از شادان بوده و آنها را پوشش خبری می‌دادم؛ زمانی که جمعیت زیادی حضور دارند، اما هیچ‌گاه این گونه نبوده است. اکنون میلیونی آمده‌اند. آنها همه به میل خود آمده‌اند.این خبرنگار همچنین ویدئوهایی از حضور مردم منتشر کرده و نوشته است: مراسم تشییع ژنرال سلیمانی در حالی در تهران برگزار شده‌است که درپایه بی‌کرن همه به میل خود آمده‌اند.این شهید بزرگوار در روز شنبه ۲۵ سال فعالیت در ایران تاکنون چنین چیزی ندیده‌ام.

یک خبرنگار المانییور با اشاره به مراسم تشییع شهید سلیمانی در توئیتر خود نوشت: من تاکنون چنین چیزی در ایران ندیده‌ام. حتی مراسم تشییع مذهبی این گونه (مردم) را جمع نمی‌کند که این تشییع پیکر قاسم سلیمانی کرده است.

وی علاوهبراین، تصاویری از حضور میلیونی مردم و پلاکاردهای حاضر در این مراسم را در صفحه خود منتشر کرده است.

خبرنگار شبکه ام‌اس‌ان‌بی‌سی هم با انتشار تصویری هوایی از حضور پر شور مردم تهران در مراسم تشییع پیکر شهید قاسم سلیمانی و همراهانش نوشت:دستور ترامپ برای زور ژنرال سلیمانی دارد نتیجه عکس می‌دهد. اجازه دهید که یادآوری کنم او چقدر خطرناک است.

شبکه الجزیره عربی نوشت:صبح امروز(دوشنبه) هزاران نفر از مردم ایران با حضور رهبر، رئیس‌جمهوری و رئیس پارلمان این کشور در مراسم تشییع سردار سلیمانی شرکت کردند و سردار اسماعیل قاتلی، فرمانده جدید قاسم قدس در این مراسم آمریکا را در خروج از منطقه جدید قاسم سلیمانی در این گزارش آمده است که اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس و معاونش صالح العاروری هم به تهران

آمده‌اند و رئیس‌جمهور سردار سلیمانی شرکت کردند. این شبکه نظری در این مورد نوشت که در این مراسم مقام معظم رهبری بر پیکر سردار سلیمانی نماز خواند و در جمعیت فراوان که در اطراف تهران را احاطه کرده بودند و در صفوی

مراسم وداع تهرانی‌ها با سبهد شهید قاسم سلیمانی و شهدای همراهش ابومهدی المهندس، وحید زمانی‌نیا، حسین پورجعفری، شهسوار مظفری‌نیا وهادی طارمی دیروز در دانشگاه تهران برگزار شد.

به گزارش ایسنا، جمعیت ملیونی حاضر در مراسم با اقتدا به رهبر معظم انقلاب بر پیکر شهدا نماز اقامه کردند. با حضور رهبر انقلاب در دانشگاه تهران مردم شعارهای چون «ای رهبر آزاده انتقام انتقام»، «ای الوفضل علمدار خانه ای نگدار»، «خونی که در کف ماست هدیه به مردم ماست» و ... سر دادند.

پس از اقامه نماز، پیکر شهدا بر دستان مردم، مسئولان و هم‌زمان این شهدا در دانشگاه تهران، خارج و مراسم تشییع ملیونی از دانشگاه تهران به سمت میدان آزادی انجام شد.

مردم تهران با شعارهای «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «این همه لشکر آمده به عشق رهبر آمده»، «علمدار نیامده»، «ای لشکر صاحب زمان آماده‌ام آماده‌ام»، «ای سازش نه تسلیم نبود با آمریکا»، «ای کار خنامه‌های حکم جهاد» و «لیک با حسین»، «لیک با ای خاتمه‌ای»، «ما ذوقاقتا حیدریم فدایان رهبریم»، «منتظر حکم جهاد رهبریم»، «ای رهبر ما چه فکر می‌پزایان این سپیچه» ... در مراسم تشییع و وداع با سردار شهید سلیمانی شرکت کردند.

همچنین پلاکاردهایی با عکس‌های شهدای سلیمانی و نوشته‌هایی مثل «خون‌پناهبان فتح قدس است»، «انتقام سخت»، «دربود و فرمانده» (بالاژنرال الحسین» و ... در دستان مردم قرار داشت. علاوه بر پرچم ایران، پرچم‌هایی از

## اخبار داخلی

## ظریف: گام پنجم کاهش تعهدات ایران در چارچوب برجام است

اعلام گام پنجم و نهایی ایران برای کاهش تعهدات برجامی و هر گونه تعدی بر خاک ایران با پاسخ سلیمانی بیانی‌های مشترک صادر کردند.سه کشور اروپایی در این بیانیه از ایران خواستند که از همه گام‌های اتخاذ شده برای کاهش تعهدات خود در برجام عقب‌نشینی و از اقدامات خشونت‌آمیز در ارتباط با ترور سردار سلیمانی



خودداری کند.آنها همچنین در همین رابطه از همه طرف‌ها خواستند «حاکمتر خویشنناری و مسئولیت‌پذیری» را داشته باشند و وعده دادند که به تلاش‌های خود برای کاهش تنش‌ها و

تضمین ثبات خاورمیانه تداوم بخشند.

**عراقی: ترامپ نتیجه ماجراجویی خود را خواهد دید**

معاون سیاسی وزارت امورخارجه درباره تهدیدات مداوم رئیس‌جمهوری آمریکا علیه ایران گفت: ترامپ نتیجه ماجراجویی خود را در منطقه خواهد دید و تصویب خروج نیروهای آمریکایی از عراق آغاز آن است. «اسدعباس عراقچی» در گفتگویی افزود: تهدید مردم ایران امر تازه‌ای نیست و در طول ۴۰ سال پی انقلاب در سیه‌های تهدیدات آمریکا زندگی و رشد کردیم و هر روز ویتیر شدیم.

این یک تجربه شکست خورده است که ترامپ دوباره به آن دست می‌زند.وی ادامه داد: روسای جمهوری قبلی آمریکا هم این

استراتژی را –که از طریق تهدید و تحریم

ایران را وادار کنند به خواست‌های آنها نتا بدهند– امتحان کرده و شکست خورند. ملت ایران ثابت کرده که ممکن است به زیان احزمام و کرامت پاسخ دهد، ولی به هیچ وجه به زیان تهدید و زور پاسخ نمی‌دهد.

عراقی تصریح کرد: ترامپ نتیجه و عاقبت این ماجراجویی را در منطقه خواهد دید. این نتیجه با رای پارلمان عراق به خروج

نیروهای آمریکایی، شروع شده و تا خروج کامل

آمریکا از منطقه ادامه پیدا خواهد کرد. بسیاری

از کشورهای غربی هم معتقدند که این اقدام

ناخبرانه آمریکا شروع پایان آمریکا در منطقه

است و این محقق خواهد شد.

وی با تاکید بر این که به مقابله خود با

سیاست‌های شورش‌ناش و تهدید ایران ادامه

خواهیم داد: افزود: بعد از هر صحبت و پیامی

که دادند بلافاصله با همان قوت پاسخشان داده

شد.

شبه‌های گذشته که رئیس‌جمهوری آمریکا

بار دیگر با زیان تهدید اعلام کرد که نقاتی را در

ایران هدف قرار می‌دهد،بلافاصله سفیر سویی

الجزیره همچنین گزارش داد: جمعیت با در دست

داشتن عکس این ژنرال مورد احترام در خیابان‌های اطراف

پیکر او نماز خواندند.این شبکه در ادامه به حضور زنان و

مردان با لباس‌های مشککی در این سیه‌های سر پذیرخت اشاره

و همچنین بخش‌هایی از صحبت‌های دختر شهید قاسم سلیمانی

در این مراسم و انتشار کرده است.

وی گفت: خانوادهمای آمریکایی در خاورمیانه

باید روزهایی خود را در انتظار شنیدن خبر مرگ فرزندانشان

سپری‌کنند.

بخش عربی شبکه آر تی با انتشار تصاویر زیادی از مراسم

تشییع سردار سلیمانی در تهران نوشت: میلیون‌ای ایرانی امروز

برای تشییع پیکر سردار سلیمانی و هم‌زمانش به خیابان‌ها

آمده‌ود علیه آمریکاعار سردادند.

این شبکه نوشت: پس از تشییع اخمنی خمنی (ره)، تهران تا

به امروز شاهد چنین مراسم تشییع گسترده‌ای نبوده است.

این شبکه روسی همچنین نوشت که مردم ایران با در

دست داشتن پرچم‌های قرمز و شعار «مرگ بر اسرائیل» و

مرگ بر آمریکا» در تهران از احاطه کرده بودند و صفوف

آنها تا چند کیلومتری دانشگاه می‌رسید.

در این گزارش همچنین به حضور مقامات عالی‌رتبه

کشورمان در مراسم اشاره شده است.

**دختر سردار سلیمانی روزگار آمریکا و اسرائیل اثر تیره**

**و ناراحتی**

پایگاه خبری عربی ۲۱ در گزارشی به مراسم تشییع

سردار سلیمانی در تهران پرداخت.

این پایگاه با اشاره به گر به مقام معظم رهبری بر پیکر

شهید شهید قاسم سلیمانی نوشت که جمعیت زیادی در

مراسم تشییع سردار سلیمانی در تهران مشارکت کردند و رهبر

ایران بر پیکر سردار قاسم سلیمانی نماز کرد.

این پایگاه خبری در ادامه به سخنان اسماعیل هنیه، رئیس

دفتر سیاسی جنبش حماس در این مراسم پرداخت.

در این گزارش آمده است که اسماعیل هنیه اقدام آمریکا

در ترور سردار سلیمانی ا «جانیی وحشی» توصیف کرد.

این پایگاه خبری در بخش دیگری از گزارش خود به

سخنان رئیس سلیمانی، دختر شهید سلیمانی پرداخت

و نوشت: دختر سردار سلیمانی در سخنان خود گفت که

آمریکا هیچ‌بیمانشان اسرائیل در نتیجه به شهادت رساندن پدرم

روزگارش اثر تیره و ناراحت خواهد بود.

آخرین رژیم آمریکا، نماز اقامه کردند.

در این مراسم که با حضور میلیونی مردم

و همچنین رؤسای قوا سه‌گانه، اسماعیل هنیه

رئیس دفتر سیاسی فرمانده نیروی هوایی و نمایانن لشکری

و کشوری و هم‌زمان شهید در فضائی آکنده

از حسرت آسمانی شدن حاج قاسم سلیمانی

برگزار شسند، رهبر انقلاب اسلامی در نماز،

خداوند را برای بزرگ دانستنن مجاهدان راه

خود به واسطهٔ فوز و توفیق عظیم شهادت،

حمد و سپاس گفتند و علو درجات آن شهدای

مردم و مؤمن در قدسشان آن با سردار بزرگ

و پر افتخار اسلام شهید شهید حاج قاسم

سلیمانی، حضرت آیت‌الله‌خمنه‌ای رهبر معظم

انقلاب در دانشگاه تهران حضور یافتند و بر

پیکر مطهر این شهید ایلام مقام، مجاهد بزرگ

ابومهدی المهندس و دیگر شهدای جنایت

از جمله سفرای عراق، کرکه، افغانستان،

فلسطین، عمان و آذربایجان در این مراسم

حضور یافتند.

مراسم تشییع پیکر شهدای مقاومت در

حالی برگزار شد که مردم عزادار تهران از

ساعت‌های ابتدایی باعداد دیروز در مسیرهای

تعیین شده برای وداع با پیکر این سردار سراز

حاضر شده بودند.

اقامه نماز رهبر معظم انقلاب

در روز رستخیز تهران و وداع تاریخی

مردم و مؤمن در قدسشان آن با سردار بزرگ

و پر افتخار اسلام شهید شهید حاج قاسم

سلیمانی، حضرت آیت‌الله‌خمنه‌ای رهبر معظم

انقلاب در دانشگاه تهران حضور یافتند و بر

پیکر مطهر این شهید ایلام مقام، مجاهد بزرگ

ابومهدی المهندس و دیگر شهدای جنایت

از جمله سفرای عراق، کرکه، افغانستان،

فلسطین، عمان و آذربایجان در این مراسم

حضور یافتند.

مراسم تشییع پیکر شهدای مقاومت در

حالی برگزار شد که مردم عزادار تهران از

ساعت‌های ابتدایی باعداد دیروز در مسیرهای

تعیین شده برای وداع با پیکر این سردار سراز

حاضر شده بودند.

اقامه نماز رهبر معظم انقلاب

در روز رستخیز تهران و وداع تاریخی

مردم و مؤمن در قدسشان آن با سردار بزرگ

و پر افتخار اسلام شهید شهید حاج قاسم

سلیمانی، حضرت آیت‌الله‌خمنه‌ای رهبر معظم

انقلاب در دانشگاه تهران حضور یافتند و بر

پیکر مطهر این شهید ایلام مقام، مجاهد بزرگ

ابومهدی المهندس و دیگر شهدای جنایت

از جمله سفرای عراق، کرکه، افغانستان،

فلسطین، عمان و آذربایجان در این مراسم

حضور یافتند.

مراسم تشییع پیکر شهدای مقاومت در

حالی برگزار شد که مردم عزادار تهران از



## شهادت را فریاد می‌کرد...



سرخی است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

**با اندوه تمام، دکتر سیدمحمد اصغری**

۱۳۹۸/۱۰/۱۴

## عاقبت بخیری یعنی حاج قاسم



عاقبت بخیری یعنی پرسی روستایی بدون تحصیلات دانشگاهی برسه به جایی که منیع چند کشور باشه داعش را راسقته راه اربعین و کربلا و آن کنه زندگی سوریه ای ها رو سر و سامان بده نشان ذوالفقار علی بکیره بچه های خوب تربیت کنه از امکانات دولتی به نفع خودش و خانواده ش استفاده کنه و بعد به آرزوش که شهادت بود برسه پیشش بره کربلا و نجف و کاظمین باعث بخیری خواب آلودهای عراق بشه و قیامتی در تسبیح جنازه اش به وجود بیاد

در کشورش، اتحاد و همبستگی به وجود بیاژه یکپرش از خاک خون‌آلود عراق ؛ به اهواز و مشهد و تهران و قم بره و...

نمازش رو ولی فقیه بخونه درهر شهری نمازی جداگانه براش خونده بشه و آخر سر بره در کنار پدر و مادرش و با این همه عظمت و شهرت بگه رو قیرم بنویسید: سرباز قاسم سلیمانی بدون هیچ بارگاهی و لقبی و ...

این فرد قطعاً شل اول قیشر را در آغوش قمر بنی هاشم خواهد بود خوش به سعادت سردار دمی با جسم خسته ات استراحت کن که ظهور نزدیک است خیلی زود باید برگردی و سرباز امام زمان شوی برای ما دعا کن که نمی دانیم چه هستیم و چه کنیم و کجا باشیم اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا ...

امضا: قطرای از دریا

### کتابخانه فرهنگی

**تولید نمایش «ژنرال» برای ادای احترام به سردار سلیمانی**
انجمن تئاتر انقلاب و دفاع میهن برای ادای احترام به سیدالشهدای جیهه مقاومت، تبیین شهید حاج قاسم سلیمانی، نمایش «ژنرال» را تولید خواهد کرد.

به گزارش ایرنا به نقل از روابط عمومی انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس، حمید نیلی، مدیر عامل این انجمن با اعلام این خبر، گفت: پس از عروج آسمانی سردار پر افتخار سپاه اسلام حاج قاسم سلیمانی احساس کردیم که می‌بایست کاری در این مورد ارائه دهیم. بنابراین تصمیم گرفتیم در خیابان تقیایی‌پور، از کارگردانان جوان، متعهد و خوش فکر تئاتر کشور در این زمینه همکاری ویژه‌ای داشته باشیم.وی افزود: این نمایش ادای دینی بسیار ناچیز را سویی هنرمندان و خانواده بزرگ تئاتر کشور به ساخت مقدس این فرمانده بزرگ و دوست داشتنی است که امیدواریم با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در پوهلین روز شهادت ایشان، شاهد اجرای این نمایش در تماشاخانه سرو انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس باشیم.

**رونمایی از کتاب زندگی و آثار «بهزاد گلیپاکانی»**
خلش ه‌نرمندان جمعه میزبان رونمایی از کتاب زندگی و آثار بهزاد گلیپاکانی می‌شود.

به گزارش ایبنا، مراسم رونمایی از کتاب «بهزاد» در روز جمعه ۱۵دی ماه از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹:۳۰ حضور جمعی از اهالی هنرهای تجسمی و با سخنرانی عباس مشهدی‌زاده، محمدرضا پهن‌پور، مجید کاشانی و معراج قنبری در خانه هنرمندان ایران (سالن استاد جلیل شهناز) برگزار خواهد شد.این کتاب نخستین مجموعه آثار «بهزاد گلیپاکانی» طراح گرافیک و نقاش معاصر است که توسط «انشر نظر» منتشر می‌شود.

گلیپاکانی متولد ۱۳۱۷ و از نخستین رودی‌های هنرکده تزئینی و جزو اولین هنرمندان مکتب سفالینه بود. او با طراحی جلد کتاب در انتشارات فرانکلین برای اولین بار مجموعه‌ای کاملاً متمکز بر تابلوگرافی را در تاریخ کشور به‌کار برد. «بهزاد گلیپاکانی» (سالن استاد جلیل شهناز) برگزار خواهد شد.این کتاب نخستین مجموعه آثار «بهزاد گلیپاکانی» طراح گرافیک و نقاش معاصر است که توسط «انشر نظر» منتشر می‌شود.

**پیکر فرود گرین‌پور در آذر تالار و موسیقی تسبیح می‌شود**
مراسم بدرقه پیکر فرود گرین‌پور، پیشکسوت موسیقی تشقایی در ساعت صبح روز چهارشنبه ۱۵دی ماه از تالار وحدت به سمت شهر آبله برپا می‌شود.

به گزارش هنرآنلاین، نازلی جهانگیر، همسر فرود گرین‌پور با اعلام خبر برگزاری مراسم بدرقه این هنرمند پیشکسوت موسیقی ایران، به ایسنا گفت: بعد از این مراسم، پیکر مرحوم گرین‌پور برای خاکسپاری به زادگاه او، شهر آبله در استان فارس منتقل می‌شود.

فرود گرین‌پور شلمگاه شنبه، دهم دی‌ماه پس از تحمل یک دوره بیماری در تهران درگذشت. فرود گرین‌پور که نوازنده سازهای کمانچه، ویلون، پیانو و آهنگساز تشقایی بود، خودراهبراد محمد پهن‌پیک، بنیانگذار آموزش عشایر در ایران و برادر دکر فرهاد گرین‌پور، آهنگساز موسیقی تشقایی است. آموزش موسیقی را زیر نظر استادان مختلفی از جمله علی احمد باغچه‌بان، حبیب‌الله بدیعی، علی اصغر بهاری و نورعلی فرومند راف گرفت و تحصیلات تکمیلی در حوزه موسیقی او را در دانشگاه تهران تکمیل کرد.«کن صحرأ، هجران، کورأغو، منظومه صنم و غریب و مجموعه موسیقی تشقایی» از جمله آثار به جا مانده از این هنرمند پیشکسوت موسیقی تشقایی هستند که پیشتر، منابع پژوهشی در حوزه موسیقی اقوام ایران به شمار می‌روند.همچنین از فرود گرین‌پور که برای درودیفند بود، آهنگهایی در ماه‌های موسیقی ایرانی به جا مانده که خود خاندان کس مختلف ساخته شده است.

**جایزه حلال به خیرین کل سالن ملل نامه نوشت**
محضرشاه ششرفی خیران، دبیر علمی دوازدهمین جایزه ادبی جلال ام احمد به همراه گروهی از نویسندگان، نامه‌ای در محکومیت اقدام دولت آمریکا برای به شهادت رساندن سردار شهید حاج قاسم سلیمانی نوشتند.
به گزارش ایبنا، در این نامه آمده است: ما نویسندگان ایرانی و اهضا کنندگان این محکم اعلام خارج از منطق و قاعده بین‌المللی آمریکا را معموک می‌کنیم. اما این نامه کذب است و فقط به ایراد بیابانه و اعلام شکواینه به سازمان ملل متحد محدود نمی‌تواند. وظیفه نویسندگان یک کشور رواج صلح و دوستی میان مردمانشان و مردمان جهان است، اما که در صورتی عمل به این وظیفه محقق می‌شود که مردمی وجود داشته باشد.

اکنون که دولت آمریکا با ارتکاب چنین جنایتی و جنین تهدید، نابودی

مردم ما را هدف قرار داده است، وظیفه خود می‌دانیم باید به همان

## وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع

دستی با اشاره به توثیت دونالد ترامپ، رئیس ملت است، و شهادت و شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد با ایمان فطری و عقل منور خود آن را انتخاب می‌کند.

«سردار سلیمانی» مجاهدی بود که بارها شهسادت در راه حق را تجربه کرده بود. شهیددی که سالها زنده بر خاک مرگ برمی‌داشت و شهادت را فریاد می‌کرد...

و اکنون شهادت را سببش او طوفان

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر کوه بود کوهی بلند و اگر سنگ بود، صخره‌ای سخت و استوار بود»

برمی‌داشت و عرفان و شهادتش، یابد نوشت و گریست

که مرگ چنان خواجه نه کاری است خردا

سرخي است بر حاکمیت سیاه شیطان و آذتاب شرمندگی او. خداوند او را با محبوباتش قرین فرماید: «اگر ک





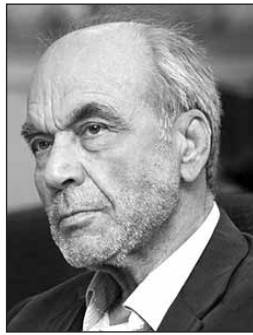






## خرد، اخلاق و سیاست

**دکتر رضا داوری اردکانی**



تجدد هنوز قسـدِرت آن را دارد که وجود مردمان و خیال‌ها و آراء آنها را به بازی بگیرد و حتی آراء افکار و اذهان مخالف را به راه‌های بی‌بست سوق دهد تا آنجا که مخالف‌ها ندانند که با چه چیز مخالفند و برای تحقق چه چیز می‌کوشند و گاهی صورت خیالی و رؤیایی چیزها را عین آن چیزها بداند و به آنها راضی شود و پیداست که در این صورت کار را تقریباً تمام شده و راه را پیموده

بـاندند و به حرف زدن اکتفا کنند.

۵-بسیار مقابله با این مکر و فریب تاریخ، روح و روحیه‌ای باید باشد که با مشهورات خود نگرفته باشد و دلپسته آنها نباشد بلکه کم و بیش خوبی‌ها و خوب‌ها و درجات آنها و شرایط پدید آمدن و بقاـشان را بشناسد و تصویر و صورت خیالی آنها را با وجودشان اشتباه نکند و به همان صورت خیالی قانع نشود و مخصوصاً پندارد که فضیلت‌های ظاهرتر را با صرفنظر کردن از فضائل اساسی و اصلی، آن هم در بـجـوحـه فساد از طریق اعمال قدرت می‌توان محقق کرد.

مقابله با غرب و تجدد با کوشش در احیای ارزش‌های بی‌ارزش شـده در غرب جدید نیز تمام نمی‌شود. در هر نظامی ارزش‌ها به هم بسته‌اند اگر در جهان تجدد نظام ارزش‌ها دستخوش آشوب و وارونگی شده است. این آشوب را اشخاص و حتی حکومت‌ها موجب نشـده و به وجود نیاورده‌اند و به همین جهت اشخاص و حکومت‌ها نمی‌توانند آن را چاره کنند. زندگی و جامعه در غرب از پانصد سال پیش و در دیگر جاها در این اواخر دستخوش تغییری شده است که با هر سیستمی آن را نمی‌توان اداره کرد.

وقتی روش ماکیاولیست و حتی سیاست ناظر به حاکمیت مبتنی بر قرارداد، دیگر کارسازای نمی‌کند و حکومت‌ها باید از تکنیک‌های جدید سیاست بهره ببرند.

سیاستی کم و بیش موفق می‌شود که مصلحت عام و تأمین نظم درـست چیزها و کارها را رعایت کند. اینکه این سیاست در بـجـوحـه آشوب ارزش‌ها چه می‌تواند بکند و تا کجا می‌تواند برود مشکل بزرگ جهان است و این مشکل را با اتخاذ تدابیر عسادی و خطابه‌های اخلاقی و با وعـد و وعیدهای دینی نمی‌توان رفع کرد. وقتی راه آینده دشوار می‌شود شاید بازگشت به گذشته آسان‌ترین کار به نظر برسد ولی این بازگشت ظاهراً آسان، محال است.

چیزی که گاهی با بازگشت به گذشته اشتباه می‌شود صرفنظر از توجهاتی مثل عصر طلایی آغازین و تفسیرهای فروری در باب میل بازگشت به گذشته، طرح رجوع به مآثر تاریخی و نسبی‌ت است که اکنون و وضع کنونی با گذشته و آینده دارد. این توجه بازگشت به گذشته نیست بلکه با تذکر به اکنون تاریخی آغاز می‌شود و این تذکر شرط آن است، پس این معنی را با تقلید و پیروی از عادات و آداب و رسوم و غایات دوران‌های گذشته نباید اشتباه کرد.

درک اکنون درک چیزی است که هستیم و شـده‌ایم و توانایی‌های است که داریم و کاری است که از عهد‌هاش برمی‌آید. با درک اکنون صحنه گذشته هم روشن می‌شود. اکنون و گذشته و آینده در تاریخ و تفکر از هم جدا نیستند.

پرشناسی و تفرقه جهان کنونی اگر تا حدودی علاج شدنی باشد نه با اقدام‌های عادی سیاسی بلکه با تفکر و با خرد عملی و گشایشی که با آن پدید می‌آید، میسر می‌شود.

اگر یک دوره تاریخی به پایان خود نزدیک شود، هیچ دستورات‌العمل معین و مشخصی برای تمدید عمر آن وجود ندارد. دستورات‌العمل‌های رسمی موجود هم بر اساس تفکر بنیانگذار پدید آمده‌اند. گاهی در زبان ما نام این دستورات‌العمل را بی‌توجه به معنی «اسبقونالیه» در فرهنگ اخیر اروپا، عقل و عقلانیت می‌گذارند. عقلانیت عقل ابزاری و لازمه نظم سازمانی و اداری نظام تجدد است و با خرد و تفکر نباید اشتباه شود.

اگر عقلانیت به جای تفکر قرار گیرد اولین خطرش از یاد برد مراتب و خلط مقدم با مؤخر و مهم و با غیر مهم و سهل انگاشتن کارهای بزرگ و هموار انگاشتن راه‌های ناگشوده و ناهموار است. با این آشوب فکری چه بسا که همه گمان کنند که می‌دانند چه باید بکنند و از عهده هر کاری برمی‌آیند.

۶- اینجا مجال بحث تفصیلی درباره عقل و عقلانیت نیست اما خوبست که به نسبت زبان با عقل اشاره‌ای بشود. زبان را غالباً و معمولاً مجموعه الفاظ و یک امر وضعی می‌دانند و فکر می‌کنند که آدمی با خرد خود و با قصد و آگاهی الفاظ را وضع کرده است تا آدمیان بتوانند با آن مقاصد و معانی مورد نظر خود را به دیگران بفهمانند. وضعی بودن زبان یا درست بگیریم وضعی بودن الفاظ به یک اعتبار درست است زیرا اگر زبان لفظی امری طبیعی بود می‌بایست همه آدمیان یک زبان داشته باشند و می‌دانیم که نه فقط آدمیان یک زبان ندارند بلکه در تاریخ یک قوم و ملت هم زبان تحول می‌یابد و گاهی یک زبان جایش را به زبان دیگر می‌دهد. آیا این عقل و خردی که وصف آن در کتاب‌های فلسفه آمده و به نظری و عملی تقسیم شده است، عقل بیخی و اخلاقی است و نه خرد کارساز نظام زندگی. این عقل یافته و آورده یونانیان است و یونانیان بودند که درباره جیستی خرد فکر کردند. می‌گویند و درست می‌گویند که یونانیان از ماهیت عقلی که داشتند پرسیدند نه اینکه آن را پدید آورده باشند. عقل در عام‌ترین معنایش که نوعی فهم و راهبانی باشد، همه جا با انسان بوده اما در هر زبان و در هر دوران تاریخی نام و صفت خاص داشته است چنانکه عقل بیخی یونان نیز عقل راهبر به علم و اخلاق و سیاست یونانی بود. می‌توان با ذکر شواهد بسیار ثابت کرد که عقل ارسطویی به فلسفه‌ای است که در انسان متفاوت با فلسفه ارسطو باشد نمی‌تواند برسد. ایرانیان و آذریان و جینیان و اقوام دیگر هم از عقل برخوردار بودند اما عقل آنان با عقل یونانی و بخصوص با عقل دوران منوالفکری نیاید یکی دانسته شود ولی در زمان ما که جهان یکی شده است همه مردم جهان از صورت رسمی و ظاهری عقل ابزاری پیروی می‌کنند و این عقل را مطلق می‌نگارند. وقتی همه مردم از یک خرد پیروی می‌کنند طبیعی است که بپندارند همه مردمان همیشه از یک خرد پیروی می‌کرده‌اند. حتی گاهی فلسفه‌خوانده‌ها رای و قول مشهور در باب عقل را وصف درست و بیان حقیقت آن می‌دانند.

وقتی چیزی در زمره مشهورات جهانی در آمد فهم نسبت و انتساب آن به قوم و زمان خاص دشوار می‌شود. اکنون در نظر بسیاری از اهل فلسفه تقسیم عقل به نظری و عملی در زمره اموری نزدیک به بدیهی است و بحث درباره آن بیبوهه می‌نماید توجه جدلی مطلب هم نیست که می‌رسند مگر مردمان غیر یونانی درد و فهم زبـست و زیـا و درست و نادرست و خوب و بد نداشته‌اند. این تشخیص در همه جا و در میان همه مردمان بوده است اما طرح جنسی و کلی و ماهیت و ذات و کیفیت درک کلی و چیزی که با آن کلیات را در می‌کنند و موجودات را چنانکه هست می‌شناسند در علم و اقدام سیاسی درست و مناسب را تشخیص می‌دهند و نامش عقل است. در تفکر یونانی پیش آمده است. یا درست بگیریم این عقل ظهور فهم یونانی در نظر متفکران یونان است. اگر ظهور تاریخی عقل بیخی و فلسفی را مزیّت و امتیاز یونان و اگر می‌دانند تا حدودی حق دارند اما این ظهور نانشی از برتری نژادی و استعداد ذاتی قوم یونان و هیچ قوم دیگر نیست. بخصوص که عقل یونانی را عقل مطلق و مطلق نمی‌توان دانست. اگر عقل چنانکه می‌پندارند با صورت ثابتی طبیعی آدمیان بود و این صورت که آن را در منطق می‌شناسیم می‌توانست همه مردمان را در هر جای عالم در نظر ادبای و امور راهمبانی کند می‌بایست همه همواره جهان و موجودات را طوری می‌شناختند که مقتداً اهل فلسفه می‌شناختند. این تصور که در علم دگرگون می‌شد. اگر عقل را قوه شناسایی و تشخیص بدانی این عقل پیش از یونانیان تا زمان نفوذ آنان بیشتر به مدد اعتقاد و بستگی به امور مقدس ادراک و حکم می‌کرده است. عقل یونانی عقل جهان شناس بود و از زمان دکارت عقل جهان‌شناس شد.

ادامه دارد

یکم:

عاشق شو، ارنه روزی کار جهان سرآید ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی

بر خویشـتن دور می‌کنـد و توجـه او را که نسبت به خویشـتن دائم‌الذکر است، از خود منصرف می‌سازد.

اما اینکه توجه منصرف شده از خویشـتن خویش، به کدام سو هدایت می‌شود، در افراد مختلف، متفاوت است. گاه این عشق به مال و مقام و دنیادوستی کشانده می‌شود که عشق نازل و بی‌ارزشی است؛ چه آنکه معشوق ارزش عشق ورزیدن ندارد و عشق یکسویه است. و معشوق قادر به پاسخگویی به عشق عاشق نیست. گاه نیز این عشق به معشوقی متوجه می‌شود که قادر به پاسخگویی است که این معشوق نیز یا انسان فانی است ویا خداوند باقی. عشق به خداوند به مقتضای **اِحْبَهِم و یُحِبُّوْهُ**، عشق دوسویه خالق و مخلوق را رقم می‌زند. جاذبه عشق طرفینی است و بی عشقی، خسران است. عشق به خداوند، نقطه مرکزی عشق است که شعاع آن می‌تواند به همه انسان‌های روی زمین و همه مخلوقات برسد.

دوم:

عاشق هم به قهر و بر لطفش به جد بُلَعجب من عاشق این هر دو ضد!
از وقتی که حاج قاسم را شناختم، عشق او به باقی را در وجودش حس کردم. این عشق سینه او را تسخیر کرده بود. و حرارت آن عشق حکمت بر زبانش جاری می‌ساخت. حاج قاسم رقیق القلب بود، به کوچکترین واقعه عاطفی، پاسخی از جنس اشک می‌داد. و عجیب است این روح لطیف در جدال با دشمن بر از صلابت بود و از هیچ مشکلی خـم به اـبـسـر نمی‌آورد. و این دو ضد در وجود او با هم به آیه «**اَشْهَدُ عَلَی الْکُفَّارِ رَحْمَةً بَیْنَهُمْ**» عینیت بخشیده بود.

♦♦♦♦♦
**«عشق به خدا، عشق دوسویه خالق و مخلوق را رقم می‌زند. جاذبه عشق طرفینی است و بی‌عشقی، خسران است. عشق به خداوند، نقطه مرکزی عشق است که شعاع آن می‌تواند به همه انسان‌های روی زمین و همه مخلوقات برسد»**

♦♦♦♦♦
جاذبه وجودش سبب شده بود تا هم‌زمانش به پای دل بر خویش قدم نهند و به اتکای عشق در رکابش باشند. خودبستی برای خود قائل نبود. خودی نمی‌دید تا بر آن عشق بوززد. هر چه می‌گذاشت، ایسن خصلت در او فرونی می‌یافت. به دنبال وظیفه



نیز اندک فرقه‌های مذهبی را بر آن داشته است که به تکنولوژی و دستاوردهای علم تجری به دیده تردید نگریسته، گاه نیز با اقدامات عملی عطایش را به لغایش ببخشند. جنبش جدال با دستاوردهای علم و حمله به تکنولوژی و راه افراطی را دوری بی‌گشود از آن از سوی طبیعت‌گرایان و نیز سنت‌گرایان، از جمله آنهاست. در برخی از کشورهای مغرب‌زمین و نیز در گوشه و کنار نقاط دنیا، شخصیت‌های علمی و گروه‌های مطرح اجتماعی با فرقه‌های دینی را می‌توان شاهد بود که تحت عناوین مختلف، به صورت نظری یا عملی اقدام به مقابله با تکنولوژی و ضدیت با صنایع ماشینی می‌نمایند. برخی از این گروه‌ها در برخورد با تکنولوسژی به حداقل قانع نیستند و راه افراط را می‌پویند. متفان تکنولوژی که بیشتر سودای طبیعت و سنت، و ایضا معنویت و اخلاقیات را در سر می‌پروراند، معتقدند جهان طبیعت منع اخلاقی و زیبایی است، ولی این سرمایه ارزشمند چندی است به واسطه فرایند صنعتی شدن در معرض خطر قرار گرفته است.

گذشته از گروه‌های اجتماعی، فیلسوف مطرح و صاحب نامی چون مارتین هایدگر و شخصیت‌های نام‌فهرزاد دیگری چون: ژاک الول (Eliu)، لویی Mumford)، چارلز اریاش، رنه دوبو (Dubos)، پاتریک سیل، از جمله افرادی هستند که پیشروان این نهضت بوده و در نقد این دستاورد علم صانعان آرا و نظریه‌ها، هایدگر فلسفه شهر آلمانی، از معدود فیلسوفانی است که در باب تکنولوژی تأمل فلسفی نموده و نظرات انتقادی خود را در کتاب **مدرسه فلسفی** خود به تفصیل بیان کرده است. در حالی که در کتاب‌های فلسفه آمده و به نظری و عملی تقسیم شده است، عقل بیخی و اخلاقی است و نه خرد کارساز نظام زندگی. این عقل یافته و آورده یونانیان است و یونانیان بودند که درباره جیستی خرد فکر کردند. می‌گویند و درست می‌گویند که یونانیان از ماهیت عقلی که داشتند پرسیدند نه اینکه آن را پدید آورده باشند. عقل در عام‌ترین معنایش که نوعی فهم و راهبانی باشد، همه جا با انسان بوده اما در هر زبان و در هر دوران تاریخی نام و صفت خاص داشته است چنانکه عقل بیخی یونان نیز عقل راهبر به علم و اخلاق و سیاست یونانی بود. می‌توان با ذکر شواهد بسیار ثابت کرد که عقل ارسطویی به فلسفه‌ای است که در انسان متفاوت با فلسفه ارسطو باشد نمی‌تواند برسد. ایرانیان و آذریان و جینیان و اقوام دیگر هم از عقل برخوردار بودند اما عقل آنان با عقل یونانی و بخصوص با عقل دوران منوالفکری نیاید یکی دانسته شود ولی در زمان ما که جهان یکی شده است همه مردم جهان از صورت رسمی و ظاهری عقل ابزاری پیروی می‌کنند و این عقل را مطلق می‌نگارند. وقتی همه مردم از یک خرد پیروی می‌کنند طبیعی است که بپندارند همه مردمان همیشه از یک خرد پیروی می‌کرده‌اند. حتی گاهی فلسفه‌خوانده‌ها رای و قول مشهور در باب عقل را وصف درست و بیان حقیقت آن می‌دانند.

وقتی چیزی در زمره مشهورات جهانی در آمد فهم نسبت و انتساب آن به قوم و زمان خاص دشوار می‌شود. اکنون در نظر بسیاری از اهل فلسفه تقسیم عقل به نظری و عملی در زمره اموری نزدیک به بدیهی است و بحث درباره آن بیبوهه می‌نماید توجه جدلی مطلب هم نیست که می‌رسند مگر مردمان غیر یونانی درد و فهم زبـست و زیـا و درست و نادرست و خوب و بد نداشته‌اند. این تشخیص در همه جا و در میان همه مردمان بوده است اما طرح جنسی و کلی و ماهیت و ذات و کیفیت درک کلی و چیزی که با آن کلیات را در می‌کنند و موجودات را چنانکه هست می‌شناسند در علم و اقدام سیاسی درست و مناسب را تشخیص می‌دهند و نامش عقل است. در تفکر یونانی پیش آمده است. یا درست بگیریم این عقل ظهور فهم یونانی در نظر متفکران یونان است. اگر ظهور تاریخی عقل بیخی و فلسفی را مزیّت و امتیاز یونان و اگر می‌دانند تا حدودی حق دارند اما این ظهور نانشی از برتری نژادی و استعداد ذاتی قوم یونان و هیچ قوم دیگر نیست. بخصوص که عقل یونانی را عقل مطلق و مطلق نمی‌توان دانست. اگر عقل چنانکه می‌پندارند با صورت ثابتی طبیعی آدمیان بود و این صورت که آن را در منطق می‌شناسیم می‌توانست همه مردمان را در هر جای عالم در نظر ادبای و امور راهمبانی کند می‌بایست همه همواره جهان و موجودات را طوری می‌شناختند که مقتداً اهل فلسفه می‌شناختند. این تصور که در علم دگرگون می‌شد. اگر عقل را قوه شناسایی و تشخیص بدانی این عقل پیش از یونانیان تا زمان نفوذ آنان بیشتر به مدد اعتقاد و بستگی به امور مقدس ادراک و حکم می‌کرده است. عقل یونانی عقل جهان شناس بود و از زمان دکارت عقل جهان‌شناس شد.

بود، خواب را هم از باب وظیفه بر چشم‌مانش راه می‌داد. بر سر دل خود نشسته بود تا بیگانه را در آن راه ندهد و چه بسیار موفق بود.

**سوم:**
آشنایان ره عشق در این بحر عقیق

# در رثای سردار دلها

دکتر ابوذّر ابراهیمی ترکمان



قرعه گشتند و نگشتند به آب آلوده
حاج قاسم پیش از آنکه دیو شود، ارزش‌های مانـا و پایدار این جهـانی را درک کرده بود و از گرایش به ارزش‌های ناپایدار سخت پرهیز می‌کرد و مردم چه خوب این غرق ناشدی که در زخارف دنیا را درمی‌یابند. دنیا برای او به حقیقت یک گذرگاه بود و نه مسکنزلکه، روح بی حاجتی دنیایی در وجودش

و بر پایه همین تعریف رایج است که پرسش خود را از تکنولوژی آغاز می‌کند.
این فیلسوف منتقد تکنولوژی، در مقاله «پرسش از تکنولوژی» بر این امر اصرار می‌ورزد که

# جدال با تکنولوژی

احمد راسخی لنگرودی

بخش اول



گر بتوانیم با ماهیت تکنولوژی وارد گفتگو شـویم، قادر خواهیم بود امر تکنولوژیک را در حدود و ثغور خود تجربه کنیم.

ژاک الول، فیلسوف متاله و از پیشروان نهضت ضد تکنولوژی، در کتاب **جامعه تکنولوژیک**، که در سال ۱۹۵۴ انتشار یافت، می‌نویسد: «کنیک به هیولای فرانکشتاین تبدیل و از کنترل انسان خارج شده است. نظام بورژوازی سودپرست آن را گسترش داده و راحت‌طلبی مردم نیز به اشاعه آن دامن زده است»

وی همچنین تصریح می‌دارد: «انسان بدوی تا سر حد امکان کم کار می‌کرد، به مصرف محدود کالا قانع بود و وقتی را که مصرف تکنیک می‌داشت، در قیاس با مدتی که به گذران فراغت، خواب، گفتگو، بازی و از همه مهمتر به تفکر اختصاص می‌داد بسیار اندک بود.»

رنه دوبو، نویسنده و زیست‌شناس برجسته در کتاب خود تحت عنوان **احیوانی تا بدین حد انسان**، از منظر زیست‌شناسی به تفکر تکنولوژیک در مورد نقادی قرار می‌دهد. او معتقد است انسان حیوانی است که سرشت اصلی‌اش یا دنیای فیزه‌دیده گشته بیگانه است. دوبو می‌نویسد: «آدمی باید راه دیگری برای زندگی برگزیند، و گرنه محکوم به نابودی خواهد بود». جالب اینکه کتاب او جایزه پولیتزر را به خود اختصاص داد و در حکم فتوی‌ی جهاد علیه تکنولوژی به شمار آمد.»

«کرک پاتریک سیل» از نمایندگان سرشناس طبیعت‌گرایی و ضد تکنولوژی است که در مصاحبه‌ای قرار گرفته است.
عده امروزه تکنولوژی را امری طبیعی است و این درک منـزلزم شاگردی کردن آن می‌کنند و عاری از هر گونه جلالتیـب شهری به ر می‌زنند. استفاده از انواع تکنولوژی برپایشان رافـر هر گونه جاذبه‌ای است. به هیچ‌وجه انگیزه بهره‌مندی

کسـرده بود، بی اعتنایی به دنیای ناپایدار و توجه به ما عندالله باقی.

**چهارم:**

گر آن که خرمن من سوخت با تو پروازد
میسرت نشود عاشقی و مستوری



بی‌نظیری رسید و قلبها را درنوردید. از هر سخنی که بوی ستایش او به مشام می‌رسید، می‌رنجید و حتی اگر این ستایش پوششیده بیان می‌شد، برمی‌تابید؛ چه، ستایش‌ها بر نفس، خوش می‌نشیدند و نفس، دشمن انسان است و گو اینکه ستایشگر دشمنش را می‌ستاید، سخن ستایشگر را قطع می‌کرد. یک بار در ضمن سخن به او گفتم شما ذخیره‌باد همزمان با آخرین کلمه، سخن را رزنده به جایی دیگر بر تا مرا به وظیفه سکوت از ستایش متنبه کند.

**پنجم:**

من آن مرغم که صدها بار از دام بلا جستم
تو با یک تار مو تا خانه صیادم آوردی
سـالها در دوران دفاع مقدس و در زیر سهمگین‌ترین آتشها حضور داشت؛ اما گو اینکه سهم خود را دریافته بود. یک بار داستانی را نقل کرد در دورانی که در سیستان و بلوچستان کودک اسیری را از دست شروری نجات داده بود و او را به مادر مضطربش رسانده بود؛ در انتها گفت: آن لحظه که مادر به سوی کودکش پر کشید تا در آغوشش بگیرد، با خود گفت: «قاسم، شاید خداوند تو را از زیر باران گلوله‌های جنگ نجات داد تا روزی بتوانی اسیری را به مادرش برسانی!» لحظاتی سکوت کرد و با سینه‌ای پر آه گفت: اما الان نمی‌دانم برای چه مانده ام! و اینها پس از مبارزه با داعش بود گو اینکه اینهمه خدمت از او برای رفـع سایه تهدید از سر کودکان و زنان در ششمین دیده نمی‌شد. اکنون که آن لحظه را مرور می‌کنم، تا حدودی درک می‌کنم که چرا مانده بود؛ مانده بود تا با خون خود همه خدمت دیگری را رقم بزنـد، خدمتی از جنس نشان دادن دشمن اصلی برای ما غافلان. آن که ارزد صید را عشق است و بس!

از دستاوردهای علم را ندارند. جالب اینکه، این گروه‌ها هر چه بیشتر با پیشرفت‌های تکنولوژی آشنا می‌شوند، بیشتر از آن فاصله می‌گیرند و نفرت خود را از این ابزار می‌دارند.
برخی از این گروه‌های منتقد در اتخاذ این شیوه زندگی، از باورهای دینی خود مایه می‌گذارند و استفاده از محصولات علمی را به لحاظ مفاسدای که در پی دارد، امری کمپایش حرام به شمار می‌آورند. برخی دیگر نیز نه به لحاظ دینی، که بیشتر به لحاظ دداشتن یک زندگی سالم و حفظ هوایی پاک، خود را از دستاوردهای علم محروم داشته و درنتیجه، به همان طبیعت روی آورده‌اند. این دسته بر این عقیده‌اند که تکنولوژی آثار سـوئی را بر ارزش‌های اخلاقی سـنت‌های مورد قبول گذشتگان گذاشته است. علاوه بر آن، با رشد فناوری صمیمیت، روابط انسانی و مناسبات اجتماعی از نوع گذشته به افسانه تبدیل شده است. از جمله گروه‌های مطرحی که در مخالفت و جدال با تکنولوژی به اقدامات عملی مبادرت می‌کنند، عبارتند از:

«لودیت‌ها» (Luddites) نام جنبشی است که در سال ۱۸۱۱ و ۱۸۱۲ در انثای انقلاب صنعتی بر ضد گسترش شیوه مکانیکی تولید در انگلستان شکل گرفت. برخی معتقدند ریشه «لودیت» به افعال جوانی به نام «لودهام» (Ludhum) بازمی‌گردد که پدرش با او گفت یک ماشین بافندگی را تعمیر کند، اما او آن را از میان برد و با این کار خشم خود را نسبت به این دستگاه نشان داد. این جنبش در مخالفت با صنایع و پدیده‌های آن و بسا این بیش که ابزار مکانیکی و زبان‌های آن قلب بشریت را هدف گرفته است، آشکارا شروع به فعالیت نمود و در صنایع آن روز انگلستان دست به خرابکاری زد. رفته رفته نام «لودیت» مترادف شد با مخرب ماشین یا ماشین‌شکن. در اصل طرز کار آنها، به مقاومت دوکانه در برابر تکنیک بی‌شمارت آنها،

جنبش لودیت‌ها در روزهای پایانی سال ۱۸۱۱ از همسایگی ناتینگهام شروع شد و تا سال بعد به سایر شهرهای انگلستان نیز سرایت کرد. لودیت‌ها برای تخریب ماشین‌آلات نساجی طغیان کردند، زیرا بر اساس یک باور غلط بر این عقیده بودند که فناوری‌های جدید به تدریج جایگزین کارگران کارخانجات نساجی خواهند شد و به بیکاری تکنولوژی، خواه انجامید. چنین است نـاشی را «ویلیم لی» در سال ۱۵۸۹ نخستین فلسفه‌نمایی را اختراع کرد، از ملکه الیزابت خواست تا به او پروانه ثبت این اختراع را بدهد؛ اما ملکه انگلستان خواسـته خود را با اجابت نکرد و به پاسخ گفت: «تو بدبختی‌رویی آقای لی! می‌دانی این اختراع چه بر سر رعایای فقیر می‌آورد؟! آنان ناشان را از دست خواهند داد و به گدایی خواهند افتاد»

به همین دلیل، خانـه جان کی، مخترع انگلیسی را که «ماشین «لارایند شاتل» را به عنوان یکی از نخستین دستاوردهای بزرگ صنعت بافندگی اختراع کرده بود، به آتش کشیدند. جیمز هارگریوز، مخترع ماشین تحریرسی در آن سـوئی این گروه به همین سرشت نفرتی دارد. این گروه همواره از انگیزه‌های نیرومند شاعرانه‌ای برخوردار بوده است. چنین نقل است که «پرسی شلی» (۱۷۹۲-۱۸۴۲) شاعر غزلسرای انگلیسی، در نامه‌ای که به او با دگاری مـانده، همدلی خود را با این گروه آشکار ساخته است و «دوست او لرد بایرون نیز از مجلسیـان انگلستان در مورد ردیوسم صـیل و مظاهر خویشاند آن بارها سخن رانده است.»

**بی‌نوشته‌ها:**
۱. اسـدی، محمدرضا، «پرسی در باب تکنولوژی»، ص ۲۰

۲. ویکتور فرانکشتاین دانشمند جوان و جاه‌طلبی بود که در اواخر قرون وسطی با کتار هم قرار دادن تکه‌های ارگان مردگان و اعمال نیروی الکتریکی جانوری زنده به شکل یک انسان، اندکی بزرگتر از یک انسان معمولی می‌سازد. این مصـنوع به نام جولیم (Golem) صورتی ترسناک که بر همه جای بدنش ردیخه‌های ناشی از دوختن به چشـم می‌خورد. این موجود تا بدآن دهه‌ها شگفتی است که همگان، حتی سازنده‌اش را دست سـزاترهای او قرار می‌دهند.
۳. هیلویلی که خاخشش نیز می‌تواند آن را مهم کند و خود مقهور آن می‌دود.
۴. ایزدک، عبدالحمین، «تکنولوژی و بحران محیط زیست»، ص ۲۲

۵. همان، ص ۲۲
۶. همان، ص ۱۹
۷. همان، صیاحت غرب، مقاله «طبقه ضد تکنولوژی و هزاره جدید»، خرداد ۱۳۳۷، ص ۲۸

۸. همان.
۹. همانسه کورشش از ۶۰ و ۶۱، بهمن و اسفند ۷۴، مجت «جدال طبیعت‌گرایان با دستاوردهای تکنولوژی»، ص ۱۰۴-۱۰۵

سه‌شنبه ۱۷ دی ۱۳۹۸ - ۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ - ۷ ژانویه ۲۰۲۰ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۴۷۰

## یونانیان و ایرانیان

**سیدمسعود رضوی** **بخش چهارم و پایانی**

شگفت آنکه، مردی انگیزه هجوم به آسیا و گرفتن انتقام یونانیان از ایرانیان را عنوان می‌کرد که خود بیگانه با یونانیان و حتی متغور آنان بود؛ فردی بود از تبار مستقیم شاهانی که دیرزمانی گوش به فرمان ششون بودند و در لشکرکشی‌های ایرانیان به یونان، افتخار می‌کردند که چون قاصد شاه بزرگ برای شهرهای یونان پیغام ببرند؛ اما شادی دار(ادریوش سوم) دیری نپایید؛ زیرا اسکندر – پسر و جانشین فیلیپ مقدونی – هرچند بیزار از پدر و از یاد او، خواست راه او را پی بگیرد و این کار را نیز کرد. ممنون رودسی – از بزرگترین فرماندهان نیروی دریایی ایران – درصدد برآمد با کشتاندن نبرد به داخل یونان، اسکندر را از تصرف آسیا منصرف کند و با تسخیر چند جزیره در اسکندر نگرانی‌هایی ایجاد کرد؛ ولی از بخت بد، او در حین انجامه عملیات جنگی بر اثر بیماری درگذشت و اسکندر فارغ از هر نگرانی کار خود را دنبال کرد. اسکندر جیستک که مانند پدرش گرفتن انتقام یونانیان از ایرانیان را بهانه قرار داده بود، درحقیقت غارتگری بود بی‌رحم، خونریز و ویرانگر. به‌رغم مقاومت‌ها و داووری‌های ایرانیان، همه جا به بخت از آنان روی برمی‌گرفت. ادریوش پس از چند نبرد که به شکست منجر شد، به عقب‌نشینی پرداخت و اسکندر همه‌جا به دنبالش رفت. با قتل ادریوش در سال ۳۳۹ ق.م، سلسله خامنشنی منقرض شد و اسکندر به تسخیر و اشغال تمامی امپراتوری دست گشود.

پس از این واقعه، تا ظهور اشکانیان و تشکیل دودمان ساسانی که رقیبشان امپراتوری روم بودند، فصل خاصی در رقابت میان دو تمدن گشوده نیست. ساسانیان اوج رقابت ایرانیان و رومیان بودند. پس از ظهور اسلام، تمدن اسلامی به کانون بازتولید فکر و فرهنگ و فلسفه بدل شد و از طریق تفسیرها و پژوهش‌های حکما و دانشوران ایران دیگر بلاد اسلامی، مجددا راهپای به تمدن و تفکر گشوده شد. آثار فارابی، و خصوصاً ابن سینا و بعداً ابن‌رشد، اثری مهم بر فکر و فلسفه و کلام در غرب مسیحی نهاد؛ درحالی‌که چنان‌که از پرتغال تا ابلانی، تحت تأثیر آن قرار داشت و سرانجام از همین رهگذار به کشف مجدد آثار یونانی از پیش‌سفرقاریان تا نوافلاطونیان توفیق یافتند و متعاقب آن آثار ادبی و تاریخی عصر کلاسیک در یونان مورد خواش و تفسیر مستقیم و ترجمه به لاتین قرار داده شد.

با این مقدمات می‌توان ذهنیتی نسبتاً روشن و قایل دفاع از موضوع داشت. با بیان مؤلفه‌های مهم و پایه در دو نظام سیاسی متفاوت در ایران و یونان، می‌توان برآمدن دو گونه فکر و فلسفه سیاسی را بر بستری خاص در تاریخ، و ظهور نتایج مختلف را در ادامهٔ آن مورد توجه قرار داد. این جمله «تطور دولت‌شهر یونانیان باستان یا امپراتوری – پادشاهی در ایران باستان»، مفهوم نظم که وجه غالب در نزد یونانیان کلاسیک، پذیرش «نظم متکثر» است. و این در نقطه مقابل «نظم طولی» به عنوان وجه غالب در پیش ایرانیان باستان است. (بگریزید به کتاب حاتم قادری، ص ۱۵-۲۰) و مسئلهٔ دیگر بروز فلسفه در یونان و پیدایش تفکر در مشرق زمین و این جمله ایران است. «فلسفه» با تعلق آزاد و گفتگو، و «حکمت» با نوع دیگری از تعلق و اشرارق ملایم است و البته هر کدام نیز لوازم و نتایج خود را دارند.

امروزه ما می‌توانیم با اتسکا به منابع مفید و قابل اعتماد، ابتدا در زمینه‌های تاریخی به کاوش مسئله برداریم و جنگها – با بهتر است بگوییم یونانی‌های بازماینده از فرهنگ ایران و یونان را مورد ارزیابی قرار دهیم. این کشاکش‌های پرهیزنه، وضع اجتماعی و اعتقادی و فرهنگی هر دو کشور را دستخوش تغییراتی اثر کرد؛ گذاشت؛ بر اعتقاد یونانیان نسبت به یونان (خدای معروف یونان اثر گذاشت؛ چنانکه مسخرطامه که خود را الهام‌یافتهٔ آپولو می‌دانست و در آپولوژی و در صحنه محاسنه خود بر این امر تأکید داشت، با توجه به سابقهٔ امر آپولو در مناسبات ایرانیان و یونانیان و حسیات بعضاً متعارض یونانیان نسبت به این ایزد، چنین تأکیدی از جانب سقراط در جریان محاکمه‌اش به سود او نبود.

لازم است در اینجا به وجه دیگری از این تأثیرپذیری دینی – فلسفی یونانیان از ایرانیان نه با شور ملی‌گرایانه، بلکه با نقد عقلانی منابع، رد و نشانه این تأثیر را بایزمی‌نماید و حتی به نقد ترجمه‌هایی که از آثار منفرد و یا مجموعه آثار افلاطون در ایران صورت گرفته (از جمله ذکاالملک فروغی، محمود صناعی، محمدحسن لطفی و…) نیز بپردازیم. نکته جالب و دقیق در این متون و ترجمه‌ها، اشاره به نامه‌ها و مکاتبات و گفتگوهای خاصی از افلاطون است که این تأثیر در آنها آشکار و قابل پیگیری است. همچنان‌که آثار سکونوف یا همان گزنفون می‌تواند مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد و نتایج مشابهی از آن به دست آید، خاصه سه کتاب آناباسیس، هلنیکا و گزوفیدیا، که این آخری همان کتاب معروف «گوروش‌نامه» است و این آثار به حوزه پیوند گزنفون و ایران برمی‌گردد.

به نوشتهٔ حاتم قادری، «گزوفیدیا یک اثر نیمه‌افسانه‌ای است؛ یعنی در میان زندگانی کوروش شاهی را اضافه کرده و با تغییر داده… یونانیان همچون بسیاری از اقوام و ملتها، از اینکه دستت به جعل شخصیت‌های غیرتاریخی بزنند و با روایات خیالی و اسطوره‌ای از قضایا در در حکایات خود بگنجانند، پرهیزی نداشتند.» (همان، ص ۹۳-۹۴)

روابط و مناسبات ایرانیان و یونانیان از آغاز تا فروپاشی هخامنشیان و پس از آن شکل‌گیری سلسلویکان و ادامهٔ آن، بحث جداگانه‌ای می‌طلب. اما این نکته را باید مد نظر قرار داد که سقوط هخامنشیان تأثیرات ژرف و گسترده‌ای بر ایرانی نهاد و موجب شد اوضاع همزمان فرهنگ‌های یونانی و ایرانی و آشنایی با دسترهای زبانی، فکری و فرهنگی اقوام متصل یا در مسیر شد.این آغاز زایش جهانی درهم تنیده و فرهنگی متعلق به تمام انسان‌ها در جهان آن دوران است. پس از هخامنشیان، ساسانیان با قدرت متمرکز و حکومت فرهمند و مطلقه، امپراتوری خود را بنیان نهادند. میراث سسلویکی و اشکانی را در اختیار داشتند و به غرب هجوم آوردند و درگیر نزاعی طولانی با دولت‌ها و لشکریان آن سسوی جهان شدند. در همین دوران دین زرتشتی به همرام موبدان قدرتمندی که در کنار نهاد دولت و پادشاهی و سرشک این بودند، اداره امور امپراتوری را برآورد؛ نظام کامل و هرم طبقاتی بی‌عطفانی را تشکیل دادند. این شیوه در تضاد کامل با رواداری دینی دوران هخامنشیان بود. ساسانیان اندیشهٔ همگامی و همگی دین و دولت را تحقق بخشیدند و این آموزه در ایران ریشه دواند و ماند که ماند. حکیم فردوسی در این باره سروده است:
نه بی‌بخت شاهی، بود دین به پای
نه نیربـدین، بود شهرباری به جای

هلن‌گرایی رومی – مسیحی در غرب و نخستین تماس‌ها، زبان‌ها، اشخاص و موضوعات را می‌یابد در دوران اسلامی در تحلیل قرار داد. زمانی که تمدن اسلامی – ایرانی به وجود آمد، ابتدا از طریق زبان شیرینی و پهلوی و سپس به طور مستقیم از طریق زبان یونانی شرایط مواجهه با علوم یونانی در عالم فارهم شد. ایرانیان در دستگانه خلافت عباسی حکومتی چشمگیر داشتند و تلاش پیگیر و مبارزهٔ آنها برای تغییر خلافت اموی و برآمدن سلسله عباسی اهمیت زیادی دارد. نهضت شیواییه نیز در مسیر مقابله با برتری‌جویی تازیان، و به فرهنگ و هویت ایرانی تشریک گامی می‌نمود، در تآوری با این جریان‌های تاریخی و فرهنگی، با نقد نقش خاندان‌های ایرانی را ازجمله عواملی دانست که فرهنگ و تعلقات پهلوی – یونانی دوران ساسانیان را استمرار بخشید و به دوران اسلامی منتقل کرد. ش. مترجمان آثار درسطط که مرجعیتی یافت و موجب شد به درجه، به کتابها و مترجمان مسلمان محقق گردید؛ اما مرحله بعد، یعنی همه در دست این آثار در قرون وسطای مسیحی را می‌توان در کتاب دکتر کریم مجتهدی «به فلسفه» در قرون وسطی» و نیز «روح فلسفه قرون وسطی» اثر الین ژیلسون، هر دو از انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ و ۱۳۶۹ مطالعه کرد.

**بی‌نوشته‌ها:**
۱-دکتر، یونانیان:ه، بربرها، ج ۶، از تهاجم مقدونی تا مرگ اسکندر، همان.
۲- یکی از بهترین نوشته‌ها در این زمینه، کتاب دانیس الیبری که نام «تقال وعلل» به یونانی به عالم اسلام» است (ترجمه احمد ارام، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۶) که نشان می‌دهد چگونه حفظ و گسترش این علوم به دست حکما و مترجمان مسلمان محقق گردید؛ اما مرحله بعد، یعنی همه در دست این آثار در قرون وسطای مسیحی را می‌توان در کتاب دکتر کریم مجتهدی «به فلسفه» در قرون وسطی» و نیز «روح فلسفه قرون وسطی» اثر الین ژیلسون، هر دو از انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ و ۱۳۶۹ مطالعه کرد.



### امید کارگران به شورای عالی کار است

دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران واقعی شدند حق مسکن و بن خواربار کارگران در شورای عالی کار را خواستار شد و گفت: کارفرمایان افزایش هزینه‌های خود را با تغییر قیمت تمام شده کالا جبران می‌کنند ولی کارگران به جز شورای عالی کار، امید دیگری برای افزایش دستمزد ندارند.

هادی ابوی در گفتگو با ایسنا ضمن اشاره به جلسه اخیر کمیته دستمزد گفت: مسایل حاشیه‌ای دستمزد از متن و اصل آن بیشتر است. علیرغم پرداختن به موضوع هزینه سبد معیشت کارگران در آخرین نشست کمیته دستمزد، متأسفانه گروه کارفرمایی به مباحث حاشیه‌ای دامن زده و بعضاً مباحثی انتحرافی در جلسات مطرح می‌شود که وقت‌گیر است و موجب می‌شود دیر به نتیجه برسیم. وی تأخیر در برگزاری جلسات کمیته دستمزد و کشاندن جلسات مزد به آخر سال را به سود کارگران ندانست و گفت:اسسال هم گروه کارگری تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا واقعیت‌های زندگی کارگران را در شورای عالی کار نشان بدهد؛ هرچند که اسسال سال سختی برای تعیین دستمزد کارگران داریم.

دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ادامه داد: تأکید ما این است که یک کارگر یا نیروی انسانی باید به لحاظ معیشتی اقتدر بمان باشد که بتواند کار کند و معیشت هم مولفه‌های مختلفی از جمله مسکن، خوراک، پوشاک، حمل و نقل، تحصیل و ... را شامل می‌شود. اگر کارگری مثل اینکه کارگر باید تفریحات یا پس انداز داشته باشد را هم شامل می‌شود ولی ما از اینها فاکتور می‌گیریم و می‌گوییم تأمین خوراک کارگران واجبه‌تر از پس انداز است. وی در عین حال با بیان اینکه تعیین سهم دستمزد در قیمت تمام شده تولید ارتباطی به



جلسه دستمزد شورای عالی کار ندارد، اظهار داشت: شورای عالی کار کمیته نرخ‌گذاری کالای تولید شده نیست بلکه تنها مرجعی است که دستمزد کارگران در آن تعیین و ابلاغ می‌شود. ابوی گفت: بنابر این اگر کارفرمایان دنبال تعیین سهم دستمزد از تولید هستند می‌توانند در کمیته نرخ گذاری سازمان حمایت یا وزارت صنعت مینا و مولفه‌های هزینه‌ها را اعلام و مشخص کنند و پس از آن دستمزد را به شورای عالی کار ببرند اما به طور حتم نان ۵۰۰میلیاتی که امروز کارگری می‌خرد هم در قیمت تمام شده کالا اثرگذار است. به بیان ساده اگر کارفرمایان از هزینه‌ها شکایت دارند، کارگران هم از بیشتر شدن هزینه‌های زندگی گلایه‌مندند لذا با درنظر گرفتن این مساله باید به سمت تعیین دستمزدی واقعی برویم. وی تصریح کرد: متصفانه نیست که دستمزد کارگر کم و هزینه‌های زندگی او زیاد باشد و اعضای شورای عالی کار قلعها به این موضوع واقفند. کارفرمایان افزایش هزینه‌های خود را با تغییر قیمت تمام شده کالا با سودی که برای آن درنظر می‌گیرند، جبران می‌کنند ولی کارگران جز شورای عالی کار جای دیگری برای افزایش دستمزد و کاهش هزینه‌های زندگی ندارند.

دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران در پایان با تأکید بر واقعی شدن کمک هزینه مسکن و خواربار کارگر اظهار کرد: اگر تأکید داریم قانون کار اصلاح شود یکی از مباحثش این است. در حال حاضر کمک هزینه مسکن پاسخگوی اجاره بهای خانوارهای کارگری نیست و با وجود تأکید بر اختصاص ماهانه سبد حمایتی به کارگران این امر هیچگاه محقق نشده است لذا بن خواربار و حق مسکن کارگران باید به طور واقعی در شورای عالی کار دیده شود. به گزارش ایسنا، سومین نشست کمیته دستمزد شورای عالی کار بدون آنکه به موضوع تعیین رقم سبد هزینه کارگران بپردازد به دلیل ورود به مباحث غیر مرتبط از جمله سهم دستمزد در قیمت تمام شده بدون نتیجه پایان یافت. پیش از این در دومین جلسه کمیته دستمزد هم قرار بود به راهکارهای ترمیم حقوق و دستمزد و تقویت معیشت جامعه کارگری پرداخته شود اما اختلاف نظر گروه کارفرمایی و کارگری این جلسه را هم بی نتیجه گذاشت.

### مزایده شش‌های آلومینیوم ضایعاتی

**شرکت بهران موتور گلیا یگان** در نظر دارد ششمش‌های آلومینیوم ضایعاتی خود را از طریق مزایده به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذار نماید. علاقمندان به شرکت در مزایده می‌توانند ظرف مدت یک هفته از تاریخ درج این آگهی به آدرس شرکت مراجعه یا با شماره ۰۴/۳۵۷۲۴۸۲۰ تماس حاصل نمایند.

### شرکت تولیدی وصنعتی بهران موتور گلیایگان

**شرکت بهران موتور گلیا یگان** در نظر دارد خرید کالای ذیل را براساس مشخصات و شرایط کلی مندرج در جدول و از طریق برگزاری مناقشه عمومی به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. موارد اعلامی در جدول زیر قطعی نبوده و اصلاحات لازم در دعوته‌نامه اعمال می‌گردد.

نام و نشانی مناقشه‌گزار	شرکت پالایش گاز یبیدلند استان خوزستان، کیلومتر ۳۳ جاده بهبهان – رامهرمز، پالایشگاه گاز یبیدلند
شرح خدمات	مناقشه تجهیز یک دستگاه شاسی ولوو FM۲۶۰ به کابین آتش نشانی به شرح مذکور در اسناد مناقشه
نوع مناقشه	دو مرحله ای
محل تحویل در خواست شرکت در مناقشه و اسناد ارزیابی کیفی	شرکت پالایش گاز یبیدلند – امور بیمان‌ها تا ۵ روز پس از درج آگهی نوبت دوم
محل و زمان دریافت اسناد مناقشه	شرکت پالایش گاز یبیدلند – از متقاضیان مراجعه‌کننده در فرجه ذکر شده در بند ۴ به نحو مقتضی دعوت به‌عمل خواهد آمد.
محل تحویل پیشنهاده‌ا	شرکت پالایش گاز یبیدلند، دبیرخانه اداره حراست (تا ساعت ۱۲:۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶)
محل و زمان گشایش پیشنهاده‌ها	سالن کمیسیون ساختمان شهید قانلی شرکت پالایش گاز یبیدلند (۱۳۹۸/۱۱/۲۱ ساعت ۱۱:۰۰ صبح)
نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقشه	ضمانت‌نامه بانکی/ یا ارائه فیش پرداختی به مبلغ ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
مبلغ برآوردی کارفرما	۹۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
سایر توضیحات	جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.nigc-bidboland.ir مراجعه فرمایید.

**شماره مجوز: ۶۲۲۲-۱۳۹۸**

#### آنچه در پی آمده است نگاهی دارد به

**موضوع کاشت درختان صنوبر و گسترش زراعت چوب در جهت کاهش فشار به عرضه های جنگلی که بخش اول آن را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم وپایانی را می خوانید:**

یکی از صنوبرکاران گیلانی با بیان اینکه از سال ۹۲به‌صورت جدی به کاشت صنوبرهای اصلاحی مشغول شده‌است، اظهار می‌دارد: در این سال زمینی در اختیار ایستگاه تحقیقات صنوبر کشور قرار داد و پس از انجام بررسی‌های لازم، کادن‌های برتر که در منطقه با قابلیت رشد زودهنگام دارند را برای کشت انتخاب کردیم.

احمد بابا‌زاده با بیان اینکه قبل از این کار صنوبرها با یازه زمانی ۱۱سال قابلیت فروش داشتند، تأکید می‌کند: بعد از انجام این تحقیقات این یازه زمانی به هفت سال کاهش یافته و در حال حاضر صنوبرهای اصلاحی را ه‌ساله بفروش می‌رسانیم.

وی در ادامه با اشاره به اهمیت کشت تلفیقی ادامه می‌دهد: در این زمینه با جهش ایجادشده با هماهنگی شرکت ترویج سازمان جهاد کشاورزی و منابع طبیعی کشت تلفیقی در بین قلمعه‌ا انجام شد.

محصولاتی که زیر قلمه‌های صنوبر کاشته می‌شود، کل هزینه‌های کشت صنوبر را برای ما رایگان کرده و در کنار آن مبلغی هم به‌عنوان سود و درآمد نصیب ما می‌شود. در واقع می‌توان گفت کشت تلفیقی توانست در صنوبر کاری تحول ایجاد کند.

این صنوبرکاران با بیان اینکه صنوبر پیش‌مرگ جنگل شده‌است، می‌گوید: امروز با تلاش‌های انجام شده جنگل‌های هیرکانی به کُت‌جهانی رسیده و مدت شش سال هم حق برداشت از جنگل‌ها را نداریم و این فرصت خوبی‌ا ایجاد شده تا صنوبر کاری به جایگاه اصلی خود بازگردد.

وی با اشاره به مشکلات کشاورزی و وجود همین سختی‌ها برای چوب‌کاران، تصریح می‌کند:البتهمشکلی‌تقابل حل‌نیابند، وجود ندارد، باید صنوبرکاران شش‌ساله‌دار شده و زمین‌ها هم تغییر کاربری داده نشود و صنوبرکار در قالب همین حرفه شناخته شود.

بابا‌زاده با بیان اینکه متأسفانه هر چند وقت گاهی یکی از صنایع در کشور با مشکلات مواجه می‌شود که می‌توانیم به صنعت ابریشم استان گیلان اشاره‌کنیم که با واردات بی‌رویه نابود شد، تأکید می‌کند: باید آمادگی لازم برای برخورد با این مشکلات را داشته باشیم البته خوشبختانه تاکنون آفات و حوادث

طبیعی همانند برف و باران توانست‌ه بسر روی صنوبرهای اصلاحی تأثیرگذار باشند اما نباید خطرات جانبی را نادیده بگیریم.

وی با اشاره به سوددهی زراعت چوب ادامه می‌دهد: آموزش در صنوبر کاری از اهمیت خاصی برخوردار است.

همچنین با فراهم آوردن شرایط دریافت تسهیلات مناسب می‌توان به گسترش زراعت چوب کمک کرد، زیرا بسیاری از کشاورزان نمی‌توانند تنها ۷میلیون برای برداشت محصول خود صبر کرده و نیاز به حمایت از سوی متولیان امر



دارند اما یکی از نکات مهمی که باید موردتوجه قرار گیرد، ضمانت دریافت وام است.

اگر بانک‌ها به‌جای اینکه صنوبرها ضامن بازاری با کارمند باشند، زمین زراوع را در گرو داشته باشند، کشاورز بدون نیاز به دیگرن می‌تواند تسهیلات لازم را دریافت کند.

معاون امور جنگل اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گیلان با اشاره به اینکه پس از اجرای طرح تنفس جنگل در سال ۹۶ توقف بهره‌برداری از این عرصه‌ها در همان قانونی که ابلاغ‌شده بود، مکلف به افزایش زراعت چوب استان شدیم، می‌گوید: تعهد در نظر گرفته‌شده برای استان گیلان در برنامه ششم توسعه در زمینه طرح زراعت چوب ۶ هزار و ۶۰۰هکتار است.

محمدرضا عبداله‌سی با بیان اینکه پیش‌ازاین در حدود ۱۱هزار هکتار از اراضی ملی گیلان زراعت چوب انجام‌شده که به بیشتر آن در حوزه شرکت شفاورد بود که با توجه به برداشت چوب از جنگل نمود زیادی نداشت، می‌افزاید:

مقرر شد برای بهبود وضعیت موجود در ایسن ۱۱هزار هکتار هم بر اساس سیاست‌های جدید اصلاحی انجام شود که در حال حاضر این یازنگری در دست انجام است و امیدواریم طی دو سال آینده این میزان با دیدگاه جدید مدیریت شود.

وی بایان اینکه بر اساس تعهد سال اول از سهمیه استان گیلان در اجرای طرح زراعت چوب کمک کرد، زیرا ۶۶۰هکتار شناسایی شده که تا پایان سال صنوبر بونیم از قاقاق چوب جلوگیری کنیم

مقرر شد برای بهبود وضعیت موجود در ایسن ۱۱هزار هکتار هم بر اساس سیاست‌های جدید اصلاحی انجام شود که در حال حاضر این یازنگری در دست انجام است و امیدواریم طی دو سال آینده این میزان با دیدگاه جدید مدیریت شود.

وی بایان اینکه سازمان جنگل‌ها اعتبارات خوبی از محل صندوق توسعه دریافت کرده و بخشی از این اعتبارات در قالب طرح کادستر اختصاص یافته‌است، ادامه می‌دهد: انتظار می‌رود طی یک تا دو سال آینده، کادستر استان گیلان تهیه‌و عرصه های ملی، مستثنیات و محل‌های اختلاف مشخص و با انجام جانمایی‌ها، بخش عمده مشکلات زارعان صنوبر حل‌وفصل شود.

کاشت صنوبر و بعد‌ازآن کاج تدا و گونه بومی توسکا موردتوجه قرار دارد. همچنین تلاش می‌کنیم تا در پایان برنامه ششم توسعه به حدود ۱۷هزار۱۸هزار هکتار زراعت چوب در اراضی ملی دست‌یابیم.

همچنین در حوزه مستثنیات به اراضی چوب توجه خواهیم زیرا در این بخش طی چند سال گذشته استان گیلان رتبه اول کشور را داشته و مردم در مساحتی حدود ۴۲هزار هکتار عمدتا در بخش صنوبرکاری فعالیت داشتند.

معاون اداره کل منابع طبیعی گیلان می‌شود: واقعیت این است که بازار چوب تا چند سال پیش رشد چندان مناسبی نداشت و نوسانات سبب شد تا کشاورزان چوب به سمت کشت دیگر محصولات کشاورزی گرایش پیدا کنند.

وی با اشاره به اهمیت محصولات استراتژیکی همانند برنج، تأکید می‌کند: تلاش می‌کنیم تا زارعان و مالکان اراضی شخصی را ترغیب کنیم تا زمین‌های بایر، حواشی مزارع یا زمین‌هایی که کمتر از

### اقتصادی

### حفظ جنگل‌ها با گسترش زراعت چوب

# صنوبر هایی که پیشمرگ جنگل می شوند

#### آن بهرمند می شوند را برای صنوبرکاری

عبدالله‌سی با تأکید بر اینکه نباید از یاد ببریم در چند سال اخیر بازار چوب رشد قابل‌ملاحظه‌ای داشته‌است، اظهار می‌دارد: اداره کل منابع طبیعی گیلان ترویج در این زمینه را شروع کرده تا هم مشکلاتی که سبب تعطیلی صنایع چوب به چوب شده ، برطرف و هم از فشار بر روی کشت‌ها را کم‌کنند؛ر واقع باید تلاش کنیم تا با ایجاد بازار مناسب برای صنوبر بونیم از قاقاق چوب جلوگیری کنیم



وی در ادامه به توزیع نهال رایگان برای زارعان در سه‌تهالستان فعال استان گیلان اشاره کرده و می‌افزاید: از سال گذشته تولید نهال در مقیاس بالا را آغاز کرده‌ایم و هر سال شاهد رشد مناسبی هم هستیم.

معاون امور جنگل اداره کل منابع طبیعی گیلان با بیان اینکه صنایع چوب بزرگ استان گیلان همانند کارخانه‌های دام، دفی، آه و تخته شش‌رده هم ی‌ای‌کار آمده‌اند و به‌صورت مشارکتی با اداره کل منابع طبیعی می‌تولید نهال صنوبر و توزیع قلمه می‌پردازند.

اما آخرین بخشی که در بحث ترویج می‌توان به آن اشاره داشت این است که پس از تأکید رئیس‌جمهوری بر زراعت چوب، استانداری گیلان هم با جدیت وارد میدان شد و بحث زراعت چوب در آن بخش از اراضی که در اختیار ارگان‌های دولتی همانند دانشگاه‌ها و یادگان‌ها و همانند آن‌ها را پیگیری کرد تا این سازمان‌ها هم در اراضی خود نسبت به کشت صنوبر اقدام کنند.

وی ادامه می‌دهد: البته در بخش

سه‌شنبه ۱۷ دی ۱۳۹۸ - ۱۱مادی‌اول ۱۴۴۱ - ۷ژانویه ۲۰۲۰ - سال‌نود و چهارم - شماره ۲۳۷۰

### حفظ جنگل‌ها با گسترش زراعت چوب

# صنوبر هایی که پیشمرگ جنگل می شوند

#### تسهیلات هم اقدامات بسیار خوبی در

حال انجام است تا صنوبرکاران بخش خصوصی به‌بهرمند شدن از این تسهیلات بتوانند دوره انتظار ۴تا ه‌ساله برای برداشت محصول را پشت سر بگذارند. نامبرده در ادامه با اشاره به گسترش زراعت چوب در گیلان و لزوم توجه به رفع مشکلات این حوزه، یکی از چالش‌ها را وقلست چوب با سایر محصولات کشاورزی عنوان و بیان می‌کند: برای به بار نشستن زراعت چوب، دست‌کم به ۵سال زمان نیاز داریم اما سایر محصولات یک‌ساله هم دارد لذا زارعان باید توان لازم اقتصادی برای پشت سر گذاشتن این زمان را داشته باشند.

عبداللهی در مورد شناسنامه‌دار کردن اراضی تحت پوشش زراعت چوب اظهار می‌دارد: در بعضی مناطق استان، زمین‌های صنوبری کاری می‌شود که به دلیل نسق زارخانه تکلیف این ملک‌ها مشخص نبوده و از سوی در نقشه منابع طبیعی جزو اراضی ملی محسوب می‌شوند.

وی با بیان اینکه سازمان جنگل‌ها اعتبارات خوبی از محل صندوق توسعه دریافت کرده و بخشی از این اعتبارات در قالب طرح کادستر اختصاص یافته‌است، ادامه می‌دهد: انتظار می‌رود طی یک تا دو سال آینده، کادستر استان گیلان تهیه‌و عرصه های ملی، مستثنیات و محل‌های اختلاف مشخص و با انجام جانمایی‌ها، بخش عمده مشکلات زارعان صنوبر حل‌وفصل شود.

مععاون اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گیلان اضافه می‌کند: در این صورت زمین‌هایی که جزو اراضی ملی محسوب شده و زارعان هم در آن صنوبرکاری کرده‌اند با قراردادهایی در قالب ماده سه در صورت عدم‌تغییر کاربری از زراعت چوب می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند.

وی نیاز سالانه کشور به چوب را حدود ۵۵میلیون مترمکعب عنوان کرده و تصریح می‌کند: پیش‌بینی می‌شود با روند افزایش روزافزون مصرف دام، دفی و آه، و تخته شش‌رده تا ه‌سال آینده نیاز کشور به حدود ۱۴میلیون مترمکعب در سال برسد، هرچند بخشی از نیاز ما از سمت واردات تأمین می‌شود اما با توجه به مشکلات تأمین نمی‌توانیم زیاد به این حوزه امیدوار باشیم لذا باید به زراعت چوب به‌عنوان یک محصول استراتژیکی نگاه کرد؛ تا هم نیاز بازار استان و هم از فشار بر جنگل از طریق قاقاق چوب جلوگیری به عمل آید.

**خبرگزاری مهر**

### کار آفرینی کلید کسب و کارهای فناورانه

مدیرکل توسعه کارآفرینی و بهره‌وری نیروی کار وزارت کار با اشاره به نقش کلیدی کارآفرینی و کسب‌وکارهای فناورانه نوپا در رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال مولد و پایدار را از جمله مزایای راهاندازی بنگاه‌های کارآفرینی عنوان کرد.

رحیم سرهنگی در گفتگو با ایسنا با تأکید بر اهمیت کارآفرینی در توسعه و رشد اقتصادی کشور، اظهار داشت: بسیاری از کشره‌های در حال توسعه با استفاده از حداکثر امکانات و بهره‌برداری از ظرفیت کشور خود، آحاد جامعه را به سمت‌وسوی فعالیت‌های کارآفرینی هدایت کرده‌اند. انقلاب کارآفرینی در حال حاضر از انقلاب صنعتی اهمیت بیشتری دارد و صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه کارآفرینی معتقدند باید انقلاب کارآفرینی در کشور شکل بگیرد.

وی به مزایای راهاندازی شرکت های کارآفرینی اشاره کرد و گفت: یکی از محاسن و مزیت های راهاندازی شرکت‌های کارآفرینان ایجاد اشتغال مولد است و به طور متوسط با یک گرفتن یک نفر برای حداقل سه دیگر به شکل غیر مستقیم ایجاد شغل می‌شود. مدیرکل توسعه کارآفرینی و بهره‌وری نیروی کار وزارت کار افزود: ایجاد اشتغال مولد نیازمند شناسایی، خلق فرصت های شغلی و استفاده از ظرفیت اشتغال موجود است و از مهمترین دلایل توجه به کارآفرینی به شمار می رود. وی با اشاره به نقش کلیدی کارآفرینی و کسب و کارهای فناورانه نوپا در رشد و توسعه اقتصادی کشورها اظهار داشت: کارآفرینان نقش موثری در پیشرفت جوامع داشته‌اند و در راس کسب و کارها قرار گرفته و نقش موثری در پیشرفت جوامع داشته‌اند. بسیاری از کارآفرینان پیشگام موفقیت های تجاری هستند و در لحاظ رهبری، مدیریت، خلاقیت، نوآوری، بهره‌وری و اشتغالزایی، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری در رشد اقتصادی دارند. به گفته سرهنگی، افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت تحولات توسعه اقتصادی بر عهده دارند و منشاء صنعتی بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی به شمار می‌روند. وی در پایان ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، برگزاری کارگاه های آموزشی پرورش ایده، شنویق سرمایه‌گذاران به حمایت از کارآفرینان، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارآفرینان، نقش اثرگذاری







































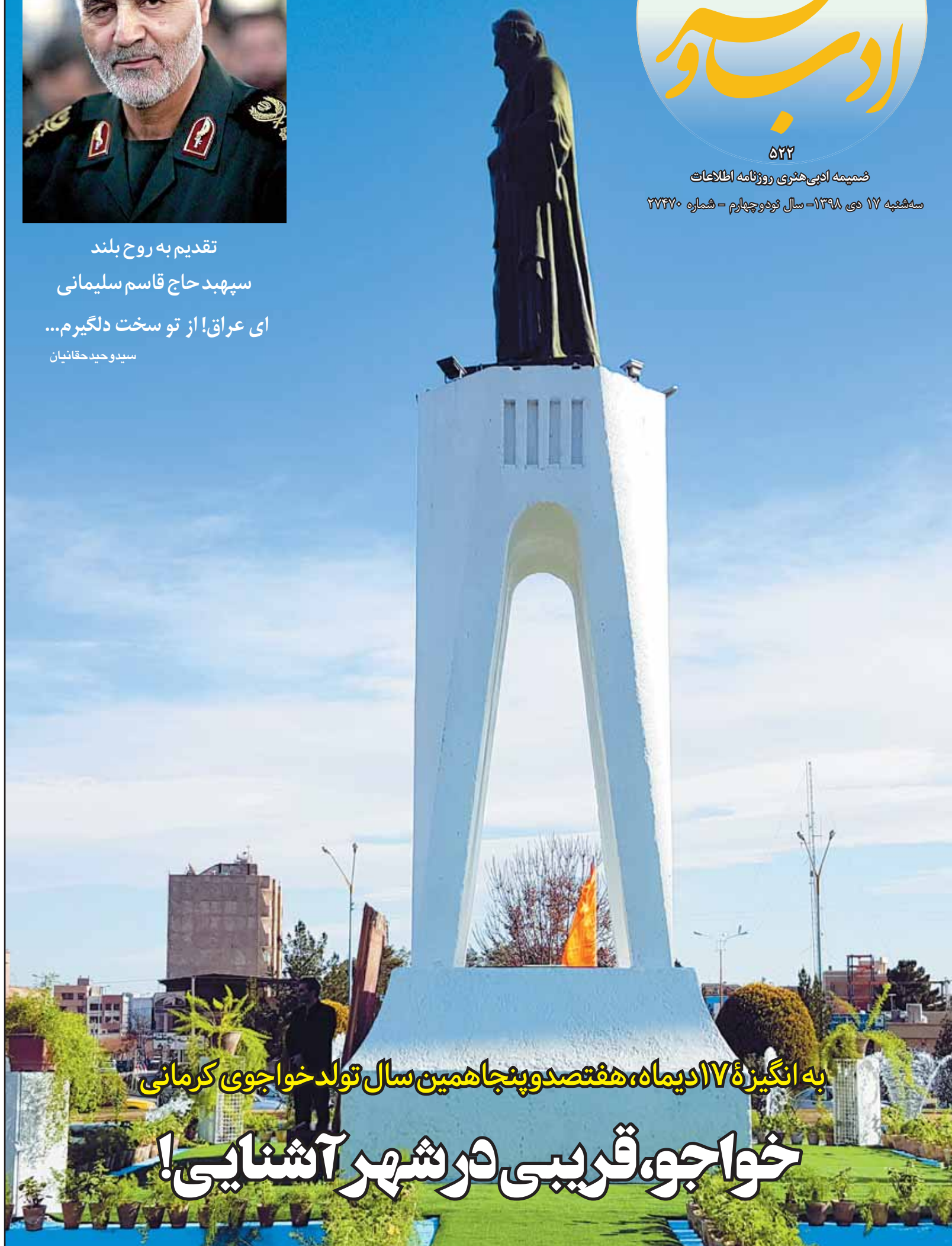


تقدیم به روح بلند  
سپهد حاج قاسم سلیمانی  
ای عراق! از تو سخت دلگیرم...  
سیدوحید حقانیان



۵۲۲

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات  
سه‌شنبه ۱۷ دی ۱۳۹۸ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۴۷۰



به انگیزه ۱۷ دیماه، هفتصد و پنجاهمین سال تولد خواجهی کرمانی

**خواجهو، قریبی در شهر آشنایی!**





دلنوشته‌های آهان آهان‌دار

## محبوب صالح علا

۱۰۱

## زمستان و دلتنگی

**محبوب من!** امسال هم زمستان کنار من است. امسال هم زمستان و من با هم می‌لرزیم.

**محبوب من!** این روزها زمستان و دلتنگی، مرا به اسم کوچک صدا می‌زنند.

**محبوب من!** آیا پیش از شما هم دلتنگی بوده است؟

**محبوب من!** اصلاً از خودم می‌پرسم، آیا پیش از شما هم این دنیا بوده است؟ پیش از شما هم این خورشید، هر روز طلوع می‌کرده؟ یا این دنیا شب و روز، تاریک بوده است؟

**محبوب من!** اغلب از خودم می‌پرسم، آیا پیش از شما هم دریاها، پراز آب بوده‌اند؟ یا تنها چاله‌هایی دلهره‌آور و ترسناک بوده‌اند؟

**محبوب من!** آیا پیش از شما آسمان بوده است؟ پرنده‌ها پرواز می‌کرده‌اند؟ یا همۀ پروازها باشما آغاز شده است؟



**محبوب من!** آیا پیش از شما، فصل‌ها بوده‌اند؟ به ویژه این پاییزها و زمستان‌ها....

**محبوب من!** آیا پیش از شما هم جدایی بوده است؟ دلتنگی، غصه خوردن، گریه کردن....

**محبوب من!** پیش از شما هم اینجا با آنجا تفاوت داشته؟ اگر تفاوت داشته، آن وقت‌ها بهترین جای جهان کجا بوده است؟ این روزها، بهترین جای جهان کنار شماست. پیش از شما، بهترین جای جهان کجا بوده است؟

**محبوب من!** آیا پیش از شما، دوری بوده است؟ محبوب من! پیش از شما، دورها کجا بوده‌اند؟ اصلاً آیا پیش از شما هم ترس‌ها بوده‌اند؟ ترس‌هایی دنباله‌دار، بدینگونه که من از خودم می‌ترسم.

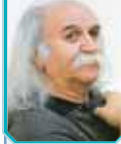
**محبوب من!** امروز، بهترین جای جهان، کنار شماست. هم بهترین جای جهان و هم امن‌ترین جای جهان، کنار شماست.

محبوب من! اصلاً آیا پیش از شما هم کناری بوده است؟ کناری که زندگی را قابل تحمل کند. که دنیای بی‌کنار شما، دنیایی بی‌رحم است.

**محبوب من!** پیش از شما هم تنهایی بوده است؟ آن وقت‌ها، تنهایی کجا بوده؟ آیا آن وقت‌ها هم تنهایی، آنجایی بوده که شما نباشید؟

**محبوب من!** امروز، دنیای بدون شما، یک گلدان خالی است.

**محبوب من!** آیا پیش از شما هم بیداری بوده است؟ اگر بوده، عاشق‌ها با چه انگیزه‌ای بیداری شده‌اند؟ من خودم به خاطر شما بیدار می‌شوم. آنهم چه بیدارشدنی! همین که بیدار می‌شوم، به آسمان نگاه می‌کنم. تماشای پرواز کبوترها. دلم می‌خواست من هم پرواز می‌کردم. می‌توانستم از چشم کبوترها به شما نگاه کنم. تازه، ملفت‌شده‌ام که آسمان، برای کبوترها هم امن نیست. که در آسمان، کبوترها طعمه عقاب‌ها می‌شوند.



• حسن فرازمند

معتقد و متدین بود. قبل از ساز زدن، وضو می‌گرفت و در روزهای عزاداری و در گذشت امامان شیعه، دست به ساز نمی‌زد.

همه شاگردانش از قلب رفوف عبادی حکایت می‌کنند. این گونه بود که استاد، سه‌تار را از خلوت بیرون آورد و معرفی کرد. داریوش پیرنیاکان می‌گوید که به همین دلیل است که می‌بینیم اکثر نوازنده‌های همدوره من که در زمان استاد عبادی شاگرد بودند و سازشان سه‌تار نبود، سه‌تار را به عنوان ساز دوم خود انتخاب و به آن گرایش پیدا کردند که می‌توان به آقایان: علیزاده و مشکاتیان و پیرنیاکان و ... اشاره کرد. استاد با بزرگانی همچون: رضاقلی میرزا ظلی، غلامحسین بنان، حسین قوامی، محمدرضا شجریان، فرامرز پایور، حسن کسایی و علی تجویدی همکاری داشت.

استاد احمد عبادی، وارث و یادگار نسلی از بزرگان و راویان فرهنگ شفاهی موسیقی سنتی ایران بود که به خاندان هنر معروف بودند. شاه ولی قراهنای، سرسلسله این خاندان است که می‌گویند از شاگردان و سرسپردگان به مشتاق علیشاه بوده و فرزندش آقاعلی اکبر قراهنای از نوازندگان تار دوره ناصری و از دست پروردگان مکتب پدر بوده است. همو که می‌گویند عارفی دلسوخته بود که یکشب بر بام خانه اش در حال راز و نیاز و نواختن سازش که قلندر نامیده می‌شد، به جوار حضرت حق می‌شتابد.

فرزندانش میرزا عبدالله و میرزا حسینقلی، بعدها آنچه را که از پدر و بعدها از شاگردان پدر آموخته بودند، به شکل مدون و منسجمی درآورده و ردیف موسیقی را بدین شکلی که امروزه وجود دارد و نواخته می‌شود، تدوین می‌کنند. تقسیم‌بندی دستگاهی موسیقی سنتی ایران نیز مبنی بر هفت دستگاه و پنج آواز، از این زمان رواج پیدای می‌کند.

فرزندانش میرزا حسینقلی، علی اکبرخان شهنازی و عبدالحسین خان شهنازی بودند که هر کدام نیز در نوازندگی تار دارای سبک و سیاقی خاص بودند. فرزندان میرزا عبدالله دودختر به نامهای مولود و ملوک و دویسر به نامهای جواد و احمد بودند. جواد در جوانی فوت می‌کند. مولود و ملوک محضر پدر را درک کردند و از او نوازندگی سه‌تار را آموختند، ولی احمد که کوچکترین فرزند بود، در هنگام مرگ پدر حدود هفت یا هشت سال بیشتر نداشت و بیش از یک یا دو جلسه بیشتر نتوانست از محضر پدر استفاده کند و از این نعمت محروم ماند. اما بعدها نوازندگی سه‌تار را از خواهران خود، خصوصاً «ملوک» که سه‌تار را به شیوه پدر می‌نواخت، فراگرفت.

استاد روح الله خالقی در کتاب «سرگذشت موسیقی» در مورد استاد عبادی چنین گفته است: «احمد عبادی، نه تنها از لحاظ موسیقی و ذوق و قریحه نوازندگی جانشین پدر است، بلکه از جهت حسن خلق و ادب و مهربانی، بهترین یادگار میرزا عبدالله است. خانه دل‌پازان از مهر و محبت وی آکنده است.

هنگامی که انگشتانش روی پرده‌های سه‌تار به گردش در می‌آید و ناخن پُر قوتش آهنگ ساز را به گوش می‌رساند، قلب آدمی در سینه می‌تپد و نغمه‌های دلپذیرش هزاران خاطرات شیرین را از جلوی دیدگان شنونده می‌گذراند که هیچ هنری را این همه تأثیر شگفت‌انگیز نیست.» ادامه دارد

## واکوی سرگذشت واقعی رادیو - ۳۱

## روزگار تار و سه‌تار عبادی

همدوره خود که اکثراً شاگرد میرزا عبدالله بودند، نداشت و با نوازندگی قدما متفاوت بود. وی در دوره‌ای که سه‌تار به خاطر حجم کم به خلوت افراد رفته بود و در غبار فراموشی فرو رفته بود، این ساز را با خود به رادیو ایران آورد و در رادیو معرفی کرد.

## سبک جدید نوازندگی سه‌تار

از شاخص‌های نواخته‌های قدما، مضراب‌های پر و با واخوان و بعضاً پر قدرت بود. عبادی یکبار وقتی که از دوستانش درباره نواخته‌های خود پرسید (در آن زمان امکان ضبط از رادیو نبود و اجراها کاملاً زنده بود)، آنها جواب دادند که گاهی اوقات نت‌ها دقیق شنیده نمی‌شود و تداخل دارند و حالت ناخوشایندی ایجاد می‌کند.

عبادی به فکر حل این مشکل افتاد و در نهایت نوازندگی تک سیم را ابداع کرد که سبب شد سه‌تار نوازی متحول شود. او در نواختن سه‌تار، دارای سبک و شیوه‌ای مخصوص به خود بود که کمتر کسی توانسته از عهده تقلید آن بر آید. عده‌ای سبک خاص ساز زدن او را مربوط به امکانات و وسایل صدا برداری زمان وی می‌دانند. مضراب‌های تک سیم و دومضرب‌ها از مشخصه‌های بارز سبک وی هستند. از دیگر شاخصه‌های ساز استاد، بداهه نوازی‌های زیبا و ویریه‌های طولانی و گلیساندوهای بموقع و زیبای سه‌تار است، زیبایی‌های خاصی بخشیده است.

## ابداع کوک‌های مختلف

از کارهایی که او در نوازندگی سه‌تار ایجاد کرد، ابداع کوک‌های مختلف در سه‌تار است که در آلبوم کوک سه‌تار، آنها را عرضه کرده‌است. قبلاً نوازنده‌ها معمولاً از کوک‌های تار برای سه‌تار استفاده می‌کردند، ولی عبادی این رویه را تغییر داد و ثابت کرد که بعضی از این کوک‌ها مناسب سه‌تار نیستند و دو نوار به عنوان آموزش کوک سه‌تار منتشر کرد که در آن برای گام‌های مختلف و حتی گوشه‌های مختلف کوک معرفی کرد.

نکته جالب توجه در نوازندگی عبادی این است که ایشان همیشه و کاملاً تک سیم نمی‌زدند و بموقع واخوان می‌دادند و پر قدرت می‌زدند و به موقع تک سیم می‌زدند که کاملاً در قطعات ضربی ایشان مانند ضربی سه‌گانه و چهارگاه و... مشهود است.»

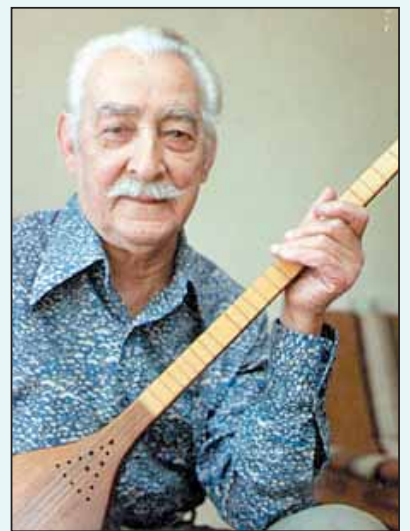
احمد عبادی مدت‌ها در وزارت پیشه و هنر به تدریس و تحقیق در موسیقی ایرانی و سه‌تار پرداخت و در جهت معرفی موسیقی ملی ایران، کنسرت‌های متعددی در داخل و خارج از کشور، از جمله در فرانسه، ایتالیا، آلمان و اتریش داشت که مورد استقبال هنردوستان واقع شد.

او شاگردان بسیاری تربیت کرد که از میان آنها مهربانو توفیق، بهرام وادانی و بهداد بابایی را می‌توان نام برد. او در رادیو نیز فعالیت می‌کرد و صفحه‌ها و کاست‌های زیادی ضبط کرده؛ از جمله صفحه آواز شور همراه رضاقلی میرزا ظلی و همچنین تکنوازی‌ها و بداهه نوازی‌ها و همراهی با نوازندگان و خوانندگان مختلف.

همنوازی‌های او با غلامحسین بنان و محمدرضا شجریان، آثاری ماندگار در قالب برنامه گل‌ها به جا گذاشته‌است. آنطور که اهل موسیقی از عبادی به خاطر دارند، عبادی فردی

در شماره گذشته، صحبت مان راجع به مرحوم خالدی تمام شد و در این شماره به یکی دیگر از نوازندگانی که از نخستین روزهای تأسیس برنامه گل‌ها با رادیو ایران همکاری داشت، می‌پردازم. «احمد عبادی» که همیشه از او به عنوان یکی از برجسته‌ترین نوازندگان و استادان سه‌تار یاد می‌شود.

مرحوم عبادی در سال ۱۲۸۵ خورشیدی در تهران به دنیا آمد و در ۱۷ اسفند ۱۳۷۱ در تهران درگذشت. او فرزند میرزا عبدالله قراهنای بود و در زمان حیاتش هم سخت مورد توجه اهالی موسیقی اصیل ایرانی.



## دعوت به رادیو

در سال ۱۳۲۷ نیز احمد عبادی توسط شاعر و ترانه‌سرای نامدار، استاد «اسماعیل نواب صفا» به رادیو دعوت شد و برای اولین بار در مرداد ۱۳۲۷ صدای روح نواز سه‌تار عبادی از رادیو به گوش همه رسید.

نواب صفار در این باره گفته است: «از افتخارات من همین بس که توانستم صدای ساز استاد احمد عبادی را از طریق رادیو به گوش مردم برسانم. چه بسا در آن دوران، مردمانی بودند که هنوز صدای این ساز را نشنیده بودند و از آن پس تماس مردم با رادیو بیشتر شد و از ما می‌خواستند که از ساز استاد عبادی بیشتر استفاده کنیم.

شیوه نوازندگی احمد عبادی، پس از نواختن در رادیو، تحت تأثیر قرار گرفت. چرا که تا آن وقت، سه‌تار به شیوه قدما نواخته می‌شد و همه سیم‌ها با هم به صدا در می‌آمد و چون حس می‌کرد این شیوه نوازندگی در رادیو، واضح به گوش مردم نمی‌رسد، با کم کردن فاصله سیم تا صفحه ساز و نیز با تغییراتی که در فاصله سیم‌ها با یکدیگر داد و همچنین نوع سازهایی که برای تکنوازی انتخاب می‌کرد، به شیوه و سبک جدیدی در نوازندگی سه‌تار دست یافت که منحصر به فرد بود.

## احمد عبادی که بود؟

آنچنان که در باره او نوشته‌اند، احمد عبادی از ۷ سالگی مشق سه‌تار را نزد پدر شروع کرد و ۱۳ سال بیشتر نداشت که میرزا فوت کرد و او مشق سه‌تار را پیش خواهرانش ملوک و مولود و برادرش جواد ادامه داد. به گونه‌ای که در ۱۸ سالگی سازش شنیدنی بود.

با این‌که وی پسر میرزا عبدالله بود، نوازندگی‌اش هیچ شباهتی به نوازنده‌های





## دنبشته های آهان آهان دار محبوب صالح علا

۱۰۱

### زمستان و دلتنگی

**محبوب من!** امسال هم زمستان کنار من است. امسال هم زمستان و من با هم می لرزیم.

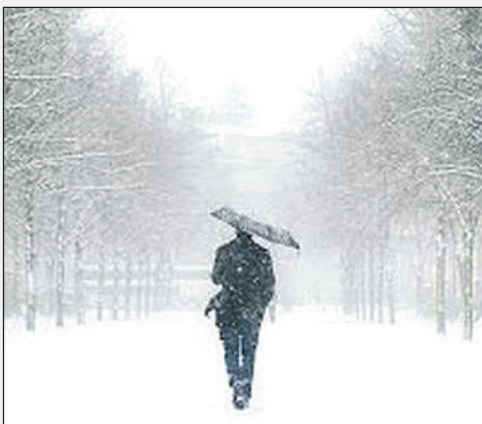
**محبوب من!** این روزها زمستان و دلتنگی، مرا به اسم کوچک صدا می زند.

**محبوب من!** آیا پیش از شما هم دلتنگی بوده است؟

**محبوب من!** اصلاً از خودم می پرسم، آیا پیش از شما هم دنیا بوده است؟ پیش از شما هم این خورشید، هر روز طلوع می کرده؟ یا این دنیا شب و روز، تاریک بوده است؟

**محبوب من!** اغلب از خودم می پرسم، آیا پیش از شما هم دریاها، پراز آب بوده اند؟ یا تنها چاله هایی دلهره آور و ترسناک بوده اند؟

**محبوب من!** آیا پیش از شما آسمان بوده است؟ پرنده ها پرواز می کرده اند؟ یا همه پروازها باشما آغاز شده است؟



**محبوب من!** آیا پیش از شما، فصل ها بوده اند؟ به ویژه این پاییزها و زمستان ها....

**محبوب من!** آیا پیش از شما هم جدایی بوده است؟ دلتنگی، غصه خوردن، گریه کردن....

**محبوب من!** پیش از شما هم اینجا با آنجا تفاوت داشته؟ اگر تفاوت داشته، آن وقت ها بهترین جای جهان کجا بوده است؟ این روزها، بهترین جای جهان کنار شماست. پیش از شما، بهترین جای جهان کجا بوده است؟

**محبوب من!** آیا پیش از شما، دوری بوده است؟

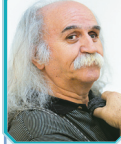
محبوب من! پیش از شما، دورها کجا بوده اند؟ اصلاً آیا پیش از شما هم ترس ها بوده اند؟ ترس هایی دنباله دار، بدینگونه که من از خودم می ترسم.

**محبوب من!** امروز، بهترین جای جهان، کنار شماست. هم بهترین جای جهان و هم امن ترین جای جهان، کنار شماست. محبوب من! اصلاً آیا پیش از شما هم کناری بوده است؟ کناری که زندگی را قابل تحمل کند. که دنیای بی کنار شما، دنیای بی رحم است.

**محبوب من!** پیش از شما هم تنهایی بوده است؟ آن وقت ها، تنهایی کجا بوده؟ آیا آن وقت ها هم تنهایی، آنجایی بوده که شما نباشید؟

**محبوب من!** امروز، دنیای بدون شما، یک گلدان خالی است.

**محبوب من!** آیا پیش از شما هم بیداری بوده است؟ اگر بوده، عاشق ها با چه انگیزه ای بیداری شده اند؟ من خودم به خاطر شما بیداری شوم. آنهم چه بیدارشدنی! همین که بیداری شوم، به آسمان نگاه می کنم. تماشای پرواز کبوترها. دلم می خواست من هم پرواز می کردم. می توانستم از چشم کبوترها به شما نگاه کنم. تازه، ملفت شده ام که آسمان، برای کبوترها هم امن نیست. که در آسمان، کبوترها طعمه عقاب ها می شوند.



• حسن فرازمند

معتقد و متدین بود. قبل از ساز زدن، وضو می گرفت و در روزهای عزاداری و در گذشت امامان شیعه، دست به ساز نمی زد.

همه شاگردانش از قلب رثوف عبادی حکایت می کنند. این گونه بود که استاد، سه تار را از خلوت بیرون آورد و معرفی کرد. داریوش پیرنیکان می گوید که به همین دلیل است که می بینیم اکثر نوازندهای هم دوره من که در زمان استاد عبادی شاگرد بودند و سازشان سه تار نبود، سه تار را به عنوان ساز دوم خود انتخاب و به آن گرایش پیدا کردند که می توان به آقایان: علینژاده و مشکاتیان و پیرنیکان و ... اشاره کرد. استاد با بزرگانی همچون: رضاقلی میرزا ظلی، غلامحسین بنان، حسین قوامی، محمدرضا شجریان، فرامرز پایور، حسن کسایی و علی تجویدی همکاری داشت.

استاد احمد عبادی، وارث و یادگار نسلی از بزرگان و راویان فرهنگ شفاهی موسیقی سنتی ایران بود که به خاندان هنر معروف بودند. شاه ولی فراهانی، سرسلسله این خاندان است که می گویند از شاگردان و سرسپردگان به مشتاق علیشاه بوده و فرزندش آقاعلی اکبر فراهانی از نوازندگان تار دوره ناصری و از دست پروردگان مکتب پدر بوده است. همو که می گویند عارفی دلسوخته بود که یکشب بر بام خانه اش در حال راز و نیاز و نواختن سازش که قلندر نامیده می شد، به جوار حضرت حق می شتابد.

فرزندانش میرزا عبدالله و میرزا حسینیقلی، بعدها آنچه را که از پدر و بعدها از شاگردان پدر آموخته بودند، به شکل مدون و منسجمی در آورده و ردیف موسیقی را بدین شکلی که امروزه وجود دارد و نواخته می شود، تدوین می کنند. تقسیم بندی دستگاهی موسیقی سنتی ایران نیز مبنی بر هفت دستگاه و پنج آواز، از این زمان رواج پیدای کند.

فرزندان میرزا حسینیقلی، علی اکبر خان شهنازی و عبدالحسین خان شهنازی بودند که هر کدام نیز در نوازندگی تار دارای سبک و سیاقی خاص بودند. فرزندان میرزا عبدالله دودختر به نامهای مولود و ملوک و دوپسر به نامهای جواد و احمد بودند. جواد در جوانی فوت می کند. مولود و ملوک محضر پدر را درک کردند و از او نوازندگی سه تار را آموختند، ولی احمد که کوچکترین فرزند بود، در هنگام مرگ پدر حدود هفت یا هشت سال بیشتر نداشت و بیش از یک یا دو جلسه بیشتر نتوانست از محضر پدر استفاده کند و از این نعمت محروم ماند. اما بعدها نوازندگی سه تار را از خواهران خود، خصوصاً «ملوک» که سه تار را به شیوه پدر می نواخت، فراگرفت.

استاد روح الله خالقی در کتاب «سرگذشت موسیقی» در مورد استاد عبادی چنین گفته است: «احمد عبادی، نه تنها از لحاظ موسیقی و ذوق و قریحه نوازندگی جانشین پدر است، بلکه از جهت حسن خلق و ادب و مهربانی، بهترین یادگار میرزا عبدالله است. خانه دل یاران از مهر و محبت وی آکنده است.

هنگامی که انگشتانش روی پرده های سه تار به گردش در می آید و ناخن پرقوتش آهنگ ساز را به گوش می رساند، قلب آدمی در سینه می تپد و نغمه های دلپذیرش هزاران خاطرات شیرین را از جلوی دیدگان شونده می گذراند که هیچ هنری را این همه تأثیر شگفت انگیز نیست.» ادامه دارد

## واکوی سرگذشت واقعی رادیو - ۳۱

### روزگار تار و سه تار عبادی

همدوره خود که اکثراً شاگرد میرزا عبدالله بودند، نداشت و با نوازندگی قدما متفاوت بود. وی در دوره ای که سه تار به خاطر حجم کم به خلوت افراد رفته بود و در غبار فراموشی فرو رفته بود، این ساز را با خود به رادیو ایران آورد و در رادیو معرفی کرد.

#### سبک جدید نوازندگی سه تار

از شاخص های نواخته های قدما، مضراب های پر و با واخوان و بعضاً پر قدرت بود. عبادی یکبار وقتی که از دوستانش درباره نواخته های خود پرسید (در آن زمان امکان ضبط از رادیو نبود و اجراها کاملاً زنده بود)، آنها جواب دادند که گاهی اوقات نتها دقیق شنیده نمی شود و تداخل دارند و حالت ناخوشایندی ایجاد می کند.

عبادی به فکر حل این مشکل افتاد و در نهایت نوازندگی تک سیم را ابداع کرد که سبب شد سه تار نوازی متحول شود. او در نواختن سه تار، دارای سبک و شیوه ای مخصوص به خود بود که کمتر کسی توانسته از عهده تقلید آن بر آید. عده ای سبک خاص ساز زدن او را مربوط به امکانات و وسایل صدا برداری زمان وی می دانند. مضراب های تک سیم و دو مضراب ها از مشخصه های بارز سبک وی هستند. از دیگر شاخصه های ساز استاد، بداهه نوازی های زیبا و ویریه های طولانی و گلیساندوهای بموقع و زیباست که به ساز استاد، زیبایی های خاصی بخشیده است.

#### ابداع کوک های مختلف

از کارهایی که او در نوازندگی سه تار ایجاد کرد، ابداع کوک های مختلف در سه تار است که در آلبوم کوک سه تار، آنها را عرضه کرده است. قبلاً نوازنده ها معمولاً از کوک های تار برای سه تار استفاده می کردند، ولی عبادی این رویه را تغییر داد و ثابت کرد که بعضی از این کوک ها مناسب سه تار نیستند و دو نوار به عنوان آموزش کوک سه تار منتشر کرد که در آن برای گام های مختلف و حتی گوشه های مختلف کوک معرفی کرد.

نکته جالب توجه در نوازندگی عبادی این است که ایشان همیشه و کاملاً تک سیم نمی زدند و بموقع و واخوان می دادند و پر قدرت می زدند و به موقع تک سیم می زدند که کاملاً در قطعات ضربی ایشان مانند ضربی سه گاه و چهارگاه و... مشهود است.»

احمد عبادی مدت ها در وزارت پیشه و هنر به تدریس و تحقیق در موسیقی ایرانی و سه تار پرداخت و در جهت معرفی موسیقی ملی ایران، کنسرت های متعددی در داخل و خارج از کشور، از جمله در فرانسه، ایتالیا، آلمان و اتریش داشت که مورد استقبال هنردوستان واقع شد.

او شاگردان بسیاری تربیت کرد که از میان آنها مهربانو توفیق، بهرام وادانی و بهداد بابایی را می توان نام برد. او در رادیو نیز فعالیت می کرد و صفحه ها و کاست های زیادی ضبط کرده؛ از جمله صفحه آواز شور همراه رضاقلی میرزا ظلی و همچنین تکنوازی ها و بداهه نوازی ها و همراهی با نوازندگان و خوانندگان مختلف.

همنوازی های او با غلامحسین بنان و محمدرضا شجریان، آثاری ماندگار در قالب برنامه گل ها به جا گذاشته است. آنطور که اهل موسیقی از عبادی به خاطر دارند، عبادی فردی

در شماره گذشته، صحبت مان راجع به مرحوم خالدی تمام شد و در این شماره به یکی دیگر از نوازندگانی که از نخستین روزهای تأسیس برنامه گلها با رادیو ایران همکاری داشت، می پردازم. «احمد عبادی» که همیشه از او به عنوان یکی از برجسته ترین نوازندگان و استادان سه تار یاد می شود.

مرحوم عبادی در سال ۱۲۸۵ خورشیدی در تهران به دنیا آمد و در ۱۷ اسفند ۱۳۷۱ در تهران در گذشت. او فرزند میرزا عبدالله فراهانی بود و در زمان حیاتش هم سخت مورد توجه اهالی موسیقی اصیل ایرانی.



#### دعوت به رادیو

در سال ۱۳۲۷ نیز احمد عبادی توسط شاعر و ترانه سرای نامدار، استاد «اسماعیل نواب صفا» به رادیو دعوت شد و برای اولین بار در مرداد ۱۳۲۷ صدای روح نواز سه تار عبادی از رادیو به گوش همه رسید.

نواب صفار در این باره گفته است: «از افتخارات من همین بس که توانستم صدای ساز استاد احمد عبادی را از طریق رادیو به گوش مردم برسانم. چه بسا در آن دوران، مردمانی بودند که هنوز صدای این ساز را نشنیده بودند و از آن پس تماس مردم با رادیو بیشتر شد و از ما می خواستند که از ساز استاد عبادی بیشتر استفاده کنیم.

شیوه نوازندگی احمد عبادی، پس از نواختن در رادیو، تحت تأثیر قرار گرفت. چرا که تا آن وقت، سه تار به شیوه قدما نواخته می شد و همه سیم ها با هم به صدا در می آمد و چون حس می کرد این شیوه نوازندگی در رادیو، واضح به گوش مردم نمی رسد، با کم کردن فاصله سیم تا صفحه ساز و نیز با تغییر بی که در فاصله سیم ها با یکدیگر داد و همچنین نوع سازهایی که برای تکنوازی انتخاب می کرد، به شیوه و سبک جدیدی در نوازندگی سه تار دست یافت که منحصر به فرد بود.

#### احمد عبادی که بود؟

آنچنان که در باره او نوشته اند، احمد عبادی از ۷ سالگی مشق سه تار را نزد پدر شروع کرد و ۱۳ سال بیشتر نداشت که میرزا فوت کرد و او مشق سه تار را پیش خواهرانش ملوک و مولود و برادرش جواد ادامه داد. به گونه ای که در ۱۸ سالگی سازش شنیدنی بود.

با این که وی پسر میرزا عبدالله بود، نوازندگی اش هیچ شباهتی به نوازنده های



به انگیزه ۱۷ دیماه، هفتصد و پنجاهمین سال تولد خواجهی کرمانی



● سید محمدعلی گلابزاده\*

## خواجه، قریبی در شهر آشنایی!

محمود شستری، سدیدالدین زوزنی، توران پستی یزدی، و... در این دانشگاه، کرسی تدریس داشتند و دانشجویانی از سراسر کشور در کرمان گرد آمده بودند و این مرکز علمی، قطب دانش منطقه و کشور به شمار می رفت.

باری، دانشگاه قبه سبز، چنین پایگاه معتبری بود. اما از بد روزگار، شهاب الدین زوزنی، پسر تاج الدین که ترکان خاتون از هیچ محبتی در حق او و پدرش دریغ نکرده بود؛ پس از فروافتادن ترکان از قدرت، کمر به زدودن کارها و آثار خیر او بست و از همین دانشگاه آغاز کرد. به قول ناصرالدین منشی: «فتوی داد به بطلان اوقاف آن ملکه متفصله و تجویز تخریب مسجد جامع درب نو که آن خاتون بنا فرموده بود.» (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۴۳)

متأسفانه این دانشگاه از رونق افتاد و بزرگانی که به شوق تعلیم یا تعلم به این شهر آمده بودند، همه کرمان را ترک کردند و این دیار از مردم دانشی و عالمان آن روزگار تهی شد. هرچند پس از این نیز، دانشگاه مزبور، فراز و فرودهایی داشته است.

چنان که در سال ۸۵۰ هـ ق علاءالدین قوشچی، در زمان الغ بیگ تیموری، در سمرقند به استادان خود مراجعه و می گوید: برای دریافت دروس ریاضی، قصد سفر به کرمان دارم، آنها با تعجب نگاهی به او کرده و پاسخ می دهند: تو سمرقند را رها می کنی و سفر کرمان را در سر می پروری؟ ...

سرانجام قوشچی مخفیانه به کرمان می آید و پس از یک سال توقف، رساله ای درباره هلال های ماهو شرحی بر تجرید خواجه نصیرالدین طوسی نوشت، تا آنجا که وقتی او به سمرقند برگشت، نه تنها او را بازخواست نکردند، بلکه از او تقدیر نیز به عمل آوردند. (رجبعلی پور، ۱۳۹۰: ۱۲۸)

اینک برگردیم به روزگار خواجه که ۸ سال بعد از مرگ ترکان (۶۸۱) به دنیا آمد و حق داشت بگوید:

چون در این مرحله خواجه اثر گنج نیافت

ترک این منزل ویران نکند، چون نکند؟ گنج خواجهای روزگار همان دستیابی به گوهر دانش و فرزانی است و منزل ویران، جایی است که در آن دفتری گشوده نشود، درس معلم و زمزمه محبتی در میان نباشد و آدمی احساس بیهودگی کند. تردید ندارم، اگر خواجه چند سالی زودتر به دنیا آمده و روزگار دانشگاه قبه سبز را درک کرده بود، در کرمان می ماند. در همین سرزمین کسب دانش می کرد و باز هم «خواجه» می شد، با این تفاوت که این بار دست پرورده شهر خود بود.

البته اینکه خواجه برای کسب دانش، غم غربت را به جان می خرید و رنج سفرهای بسیار را بر خود هموار کرد، نه تنها چیزی از اعتبار او نمی کاهد، بلکه بر آن می افزاید.

خواجه در تمام مدت دوری از وطن، با همه احساس شادی که ناشی از کسب دانش و دریافت محضر اساتید بزرگ بود، اما هرگز از یاد کرمان و کرمانی به دور نماند و همواره نام و خاطره زادگاه خود را ورد زبان داشت و چنین می سرود که:

خوشا باد عنبر نسیم سحر

که بر خاک کرمانش باشد گذر

مرا تا چه آمد که چرخ بلند

از آن خاک پاکم به غربت فکند

ادامه در صفحه ۵

وقتی به کمالی گفتم که اگر چه شما جایی خواجه را گریزان از شهر و دیار خویش معرفی کرده ای، رندانه پاسخ داد، این که چیز مهمی نیست؛ سعدی ما هم زندگی در بغداد را آرزو می کرد، و حافظ هم به رغم دلبستگی به آب رکنی، گاهی حضور در سرزمین های دیگر را آرمان خود می دانست.

برگزاری روز خواجه در شیراز، با حضور شهرداران هر دو شهر و رؤسا و نمایندگان شوراهای اسلامی شهرهای کرمان و شیراز، به ایجاد تفاهم نامه ای انجامید که بی گمان برای خواجه دوستان و دلبستگان هر دو شهر، برکاتی خواهد داشت.

اما به راستی چرا خواجه، با همه تعلق خاطر به کرمان و کرمانی، شهر و دیار خود را ترک کرد و راهی سفر شد و آن همه رنج درگیری را بجان خرید؟ پاسخ نخست این است که اصولا خواجه، همچون سعدی و دیگر همتایان خود، سفر را از بخش های عمده زندگی می دانست و معتقد بود: ز خانه هیچ نخیزد سفر گزین خواجه که شمع دل بنشانند آن که در وطن بنشست به جز این، خواجه آن روز که بار سفر بست و راهی شیراز شد تا محضر اساتیدی چون امین الدین کازرونی و علاء الدوله سمنانی را درک کند، این گونه اظهار نظر کرد که:

چون در این مرحله خواجه اثر گنج نیافت

ترک این منزل ویران نکند، چون نکند بی گمان، گنج خواجه، دانش و علم آموزی بود. همان اصلی که شاعر، جای آن را در دیار خود خالی می دید. زیرا روزگار او با سکوتی ژرف در پهنه دانشوری همراه بود و کرمان پس از یک دوره طلایی و پربار، از تب و تاب افتاده بود و هیچ آبرمرد دانشی نداشت.

برای روشن شدن موضوع، لازم به ذکر است که خواجه به سال ۶۸۹ هـ ق در کرمان به دنیا آمد. این زمان برابر است با گذشت حدود ۵۰ سال از گشایش دانشگاه قبه سبز - اثر ماندگار قراخانیان در کرمان. این دانشگاه به دست «براق حاجب» بنیان گذاشته شد و سپس به وسیله بانوی بزرگ این سلسله - ترکان خاتون - به اوج ارزش و اعتبار رسید؛ تا آنجا که بزرگانی چون: شیخ



پیش از آنکه به این پرسش بپردازم که چرا خواجه از کرمان رفت و قبل از آنکه از انگیزه هجرت خواجه از کرمان بگویم و به برخی اظهارات نادرست در خصوص اعلام رنجش خواجه از شهر و دیار خود پاسخ دهم؛ نکته ای را لازم به تذکر می دانم. باشد تا دینی که از شیرازی های عزیز بر ماست، ادا شده باشد.



اگر از من بپرسند که آیا خواجه همچنان «غریبی در شهر آشنایی است»؟ و آیا هنوز هم «تن خواجهی کرمانی به شیراز / به تنگ افتاده است الله اکبر»؟... حتما پاسخ خواهیم گفت که شاعر بزرگ دیارمان، نه دیگر غریب، بلکه قریب شهر آشنایی است و تن نازنینش اگرچه در تنگه الله اکبر آرمیده، اما در گستره مهربانی های هموطنان شیرازی، آرامش و آسایش تازه ای را تجربه می کند.

سال ۱۳۷۰ یعنی ۲۸ سال پیش بود که مرکز کرمان شناسی و دانشگاه شهید باهنر کرمان، دست در دست هم، کنگره جهانی خواجه را برگزار کردند و در آن سه روز، شخصیت های برجسته علمی داخل و خارج از کشور شرکت داشتند، آثار خواجه به گونه ای ارزشمند تجدید چاپ شد، مجسمه خواجه در میدانی به همین نام در کرمان نصب گردید و... بالاخره مقبره خواجه، با همکاری شهرداری شیراز و استانداری فارس بازسازی شد.

در سومین روز همایش نیز شیرازی ها، میزبان شرکت کنندگان همایش بودند و شادروان آیت الله حائری شیرازی، امام جمعه وقت، درباره شخصیت والای این شاعر گرانقدر و طبع بلند او سخنان ارزشمندی ایراد کرد.

در طول این مدت، اگرچه هر سال در زاد روز خواجه در کرمان مراسمی برگزار می شد، اما شیرازی های عزیز، کمتر گوشه چشمی نشان می دادند و به یاد مهمان دیارشان بودند، تا اینکه باز هم یکی از میدانداران پهنه فرهنگ شیراز، که دو سه سال پس از راه اندازی مرکز کرمان شناسی، بنیاد فارس شناسی را سامان داد - کورس کمالی سروستانی - تلفنی مژده داد که مسیحا نفسی می آید و قرار است به همت شیرازی ها و به ویژه شهرداری شیراز، یاد خواجه گرامی داشته شود. خبری که به قول شاعر: «بر این مژده گرجان فشانم رواست».

دوستانی بهتر از آب روان  
خاطرات من و سهراب

دکتر حبیب الله مناعتی

کشش عبارات و ترکیبات زبان فارسی در خلق مضامین و ابداع معانی، اگر لم یزل نبوده لایزال است، ولی باید به سرآیندگان فارسی زبان، از باب تنبیه، با بیستی از حافظ جادو سخن، گوشزد کرد که:

ای دل به کوی عشق گذاری نمی کنی

اسباب جمع داری و کاری نمی کنی

چوگان حکم در کف و گویی نمی زنی

باز ظفر به دست و شکاری نمی کنی  
باری با توجه به بی سرو سامانی شعر و ادب فارسی در وضع کنونی، که فرقه ای خوارمایه و یاوه باف و کودن و خرف گوی و گول و ریش گاو به هم پیوسته و فوضیحت خود را به فضاحت سروده های ساقط و مبتذل آشکار کرده اند، استاد منشی در تبیین این بافندگان پلاس و کرباس، آن هم در کارگاه حریر، در نامه ای شاعرانه به پدر ادیب و شاعر و دانشمند خود سروده است:

ای پاسدار شعر و ادب، مسند سخن

هر نابکار لافزن هرزه، در گرفت

ای شاعر کهن! چه نشینی که «شعر نو»

کار سخن به ملعبه و سخره برگرفت

ور «شعر نو» ندانی و شعر «سپید» را

بشنو که پرده زان نتوان خوبتر گرفت

خطی سه چار برزده بر کاغذی سپید

گویی بر آن صحیفه، کسی خیر و شر گرفت

نقشی چو آن طلسم، که از مرد فالگیر

نادان زنی، به دفع بلای نظر گرفت

این نام «شعر نو» به خود آوردن و آن دگر

«شعر سپید» نام ز صاحب اثر گرفت

زین شعله، کشتزار سخن رفته رفته سوخت

وان موریانه، کاخ ادب سر به سر گرفت

کم کم رسیده کار به جایی که پشک خر

در رسته ادب، رده بر مشک تر گرفت

تعریض ها به شعر تر آورد و طعنه ها

آنکو سخن معاینه با مشک تر گرفت

هر آگینه ساز دغل باز ناتراش

ناستخه آگینه، به جای گهر گرفت

بس کودک نشسته دهن از لب نهنوز

خود را جمع اهل ادب در شمر گرفت

رویاه شل، به معرکه روکرد و خویش را

اندر طراز و مرتبه شیر نر گرفت

زلف عروس شعر دلارام پارسی

در پنجه، دیو بد گهر خیره سر گرفت

«شعر سپید» روز ادب را سیاه کرد

دردا که این کلف، به عذار قمر گرفت

بیمارگونه روی سخن، هر که دید گفت

این دردمند خسته، دل از خویش برگرفت»

این زمزمه ها، همه همه ها و مخالف خوانی ها همچنان ادامه داشت.

جالب است که این زمان درست همزمان با دوران شور و هیجان شاعری سهراب بود؛ اما او بی توجه به این زمزمه ها به راه خود ادامه داد.

او نخستین اثر خود را در قالب شعر آزاد به سال ۱۳۳۰

یعنی در سن ۲۳ سالگی با عنوان «رنگ مرگ» منتشر کرد.

عنوان کتاب و اشعار مندرج در آن برای آنان که سراینده در

قالب شعر سنتی بودند با واکنش خشم آلودگی همراه بود.

حتی دوست دیرین او مشفق کاشانی که نخستین مشوق

سهراب به سرودن شعر بود، از برخورد با این دفتر شعر

سهراب دچار شگفتی فراوان گردید. ادامه دارد





## سینمای جهان



خاطرات اجتماعی استاد امین‌الله رشیدی  
در عرصه آواز و موسیقی

### یك عمر خاطره

۱۵۹

مسافرت، به خصوص به کشورهای متمدن و پیشرفته و آشنایی مسافر با فرهنگ و صفات و خلقیات گوناگون مردم آن کشورها درهای تازه به روی مسافر می‌گشاید و در بازگشت با کوله‌بار و تجربیاتی نو، زندگی را با صورتی نو و متحول آغاز می‌کند.

آشنایان به تاریخ ادبیات ایران از مسافرت‌های حکیمان و شاعرانی امثال ناصر خسرو و سعدی سفرنامه‌هایی که نگاشته‌اند به خوبی آگاهند و نوشته‌های این دو حکیم و شاعر مشهور را در سفرنامه ناصر خسرو و گلستان و بوستان سعدی خوانده‌اند که سراسر پند و حکمت و عبرت است و همانطور که پیش از این یاد شد، خود بنده نیز به مناسبت اشتیاق فراوانی که به سفر و جهانگردی دارم، بخشی از مشاهدات خود را در سفرهای متعددی که به کشورهای اروپا نموده‌ام، در کتابی به نام «از کاشان تا کاناری» آورده‌ام و اینک، شرح یک مسافرت در ایران یعنی:

#### از تهران تا آبادان

بانگاهی به آگهی‌های وسوسه‌گر آژانسهای مسافرتی، اعم از رنگی و سفید و سیاه در مطبوعات دارالخلافه تهران مربوط به برنامه‌های گشت و گذار و سیر و سفر در ایالات ایران و دیگر کشورهای جهان که برای دلباختگان مسافرت از همه مطالب دیگر خواندنی‌تر، جذاب‌تر و شیرین و خاطره‌انگیز تر است.

بر آن شدم تا با حال و حوصله‌ای که به طور موقت پیش آمده و با توجه به محتویات جیب، یکی از برنامه‌های گشت داخل ایران را که از لحاظ قیمت در سه چهار سال اخیر همانند همه چیزهای دیگر سیر صعودی - موشکی - داشته است به منظور گذراندن ایام نوروز انتخاب نمایم.

ما کاری به اوضاع و احوال قبل از انقلاب و تغییر رژیم نداریم که با مبلغ ۵۴۰۰ تومان با آژانس‌های توریستی آن زمان مانند «آبادانا» و «مهاجری» و غیره، آن‌هم به طور اقساط در مدت یک ماه هفت هشت کشور اروپایی را با هواپیما زیر پا می‌گذاردیم، اما با که توان گفت که در سال سوم بعد از انقلاب هم با امثال همین آژانس‌های یاد شده و با هواپیمائی همین جمهوری اسلامی ایران و سایر خطوط هوایی مسافرتی یک ماهه داشتیم به چندین کشور اروپایی، شامل هزینه‌های بلیط هواپیما، اقامت در هتل‌های چهار و پنج ستاره با صبحانه و گشت شهرها، ورودی موزه‌ها، عوارض فرودگاه‌ها و سایر پذیرایی‌ها به مبلغ ۱۲۵۰۰ تومان که این روزها آژانس‌های مسافرتی برای یک روز مسافرت به یکی از شهرهای ایران دو برابر این مبلغ یعنی ۲۵۰۰۰ تومان و حتی بیشتر مطالبه می‌کنند و این درحالی است که نرخ مسافرت به یک کشور خارجی مثل ترکیه روزی بیست هزار تومان و حتی در پاره‌ای موارد نصف این مبلغ است! و از طرف دیگر متولیان رسمی اشاعه گردشگری و مسافرت مدام حرف می‌زنند و مقاله می‌نویسند و مرتباً سمینارهای متعدد برگزار و بدون هیچگونه ارائه طریق مثبت و عملی، درست مصداق این مصراع می‌شوند که: «نشستند و گفتند و برخاستند!»

در حال حاضر از طرفی ۳۱ سال از پایان جنگ بی‌حاصل ما با عراق گذشته و هزینه‌های جنگی دست از سرمان برداشته و از طرف دیگر با داشتن آن همه ثروت ملی و منابع زیرزمینی بی‌پایان که مطابق قوانین اقتصاد بایستی نرخ همه چیز از جمله مسافرت سیر نزولی داشته باشد، کار ما درست صورت معکوس یافته است و بایستی گفت: «خدایا زین معما پرده بردار»... حال ببینیم در سرزمین‌های دیگر چه می‌گذرد:



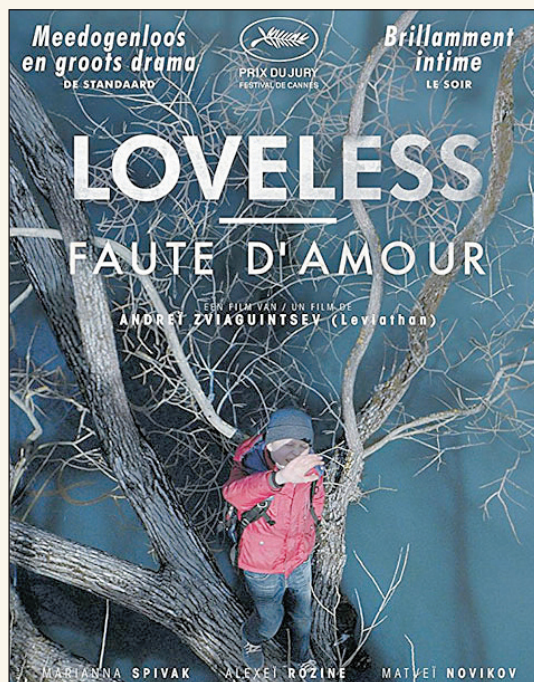
• منوچهر دین پرست

#### نگاهی به فیلم «بی عشق» به کارگردانی آندری زویاگینتس

## آزار خود و دیگری

محور اصلی فیلم، همان مفهوم از دست رفته انسانیت است. مفهومی که در سینمای آندری زویاگینتس، ریشه عمیقی دارد و به عبارتی کانون محوری فیلم‌های او را تشکیل می‌دهد. کالبد سینمای این فیلمساز روس، خانواده است. او در این کالبد، اتفاقات ناگواری را که سبب می‌شود خانواده از هم پاشیده شود، به خوبی و به عبارتی به وضوح نشان می‌دهد.

آخرین فیلم آندری زویاگینتس با عنوان «بی عشق» را می‌توان بی عاطفه هم معنا کرد. ادامه دهنده فیلم‌های دیگر او مانند: بازگشت، الن، تبعید و حتی لویاتان. او با قرار دادن اتفاقی خاص که توانسته زلزله‌ای مهیب در هر خانواده‌ای تلقی شود، تمامی حوادث بعدی را که تحت تأثیر آن اتفاق به وجود آمده اند، روایت کند.



در فیلم بی عشق نیز زن و شوهری در آستانه جدایی اند. آنها به شدت نسبت به هم تنفر پیدا کرده اند و برای رسیدن به امیال شخصی خود، طرف مقابل را به هر نحوی که شده، سرکوب می‌کنند. آنها از لذت‌های شخصی خود نیز چشم‌پوشی نمی‌کنند و در آستانه جدایی با فرد دیگری ارتباط دوستی برقرار می‌کنند که در فیلم در نهایت به ازدواج آنها نیز ختم می‌شود. گویی آنها افراد مسخ شده‌ای هستند که خودخواهی، سرکوب و سکس مانیفست رفتاری شان است. اما آنها در زندگی خود از موجود دیگری (فرزند) که نقشی در به وجود آوردن آن دارند و تعهد انسانی که نسبت به آن باید بپردازند، غافل اند. شدت دعوای زن و شوهری آنها در فیلم با مفقود شدن پسر، بیش از

ادامه از صفحه ۴

سروده هایش همه جا را پر کرده بود، یقین داشت که نام بزرگش سرلوحه دفتر شاعران دیار کرمان و در ردیف بزرگترین شاعران ایران در خواهد آمد. او به خوبی می‌دانست که حدیث عشق او همواره پایدار می‌ماند؛ الا نمی‌گفت:

حدیث عشق ز ما یادگار خواهد ماند

بنای شوق زما استوار خواهد ماند

اساس عهد مودّت که در ازل رفته است

میان ما و شما پایدار خواهد ماند

او ماندگاری خویش را چون آفتاب می‌دید که گفت:

ز چهره هیچ نماد نشان، ولی ما را

نشان چهره بر این روزگار خواهد ماند

\* رئیس بنیاد ایران شناسی - شعبه کرمان و مدیر مرکز کرمان شناسی

#### منابع:

- منشی کرمانی، ناصرالدین، (۱۳۶۲)، سمط العلی للحضرة العلیا، تصحیح عباس اقبال، تهران: اساطیر، چاپ دوم.  
- رجبعلی پور، مهدی، (۱۳۹۰) مقاله «مدرسه ترکان خاتون»، به کوشش محمدرضا صرفی و عباس ضیایی، مجموعه مقالات همایش قبه سبز، کرمان: دانشگاه شهید باهنر، چاپ اول.

آری، خواجو، عارف فرزانه ای بود که حب وطن و دوستی زادگاه خویش را بنیادی ترین اصل زندگی می‌دانست و تا پایان عمر از آن غافل نماند. برای او کرمان، همیشه «شهر آشنائی‌ها» بود. او رنج سفر و اندوه غربت را بجان خرید تا بر نام آوری دیار خود بیفزاید. او به خوبی می‌دانست که ارزش هر شهر و دیار، به مشتکی خشت و گل و تعدادی در و دیوار نیست، بلکه بزرگی سرزمین‌ها را باید از روی تعداد بزرگان و نام آوران محاسبه کرد و به دست



آورد. او همان روز که این بیت را سرود و بر اوراق دفتر خود رقم زد که:

بود لطافت خواجو، بهار دلکش شوق

از این چو شاخ گلش می‌برند دست به دست و همان روز که این شاخ گل را دست به دست می‌بردند و شمیم جان پرور



سوگ سروده‌ها

تقدیم به روح بلند  
سپهد حاج قاسم سلیمانی



ای عراق! از تو سخت دلگیرم...

سید وحید حقانیان |

ای عراق! از تو سخت دلگیرم  
کرده داغ دلاوران، پی‌رم  
دم به دم می‌کنی سیه پوشم  
با خبرها که از تو می‌گیرم  
هر طرف ای عراق، با داغی  
می‌زنی هر نفس به شمشیرم  
هر طرف پاره تن زهر است  
خسته از این غم نفسگیرم  
باز هم اتفاقی افتاده؟  
که بدین حد زجان خود سیرم؟  
حالم این روزها دوباره بد است  
مثل شیری اسیر زنجیرم  
گله بسیار دارم از تو، ولی  
نیست دیگر توان تقریرم  
چیزی از درد خود نمی‌گویم  
هست شاید سکوت، تقدیرم  
گله‌ها را گذاشتم تا بعد  
گرچه هر لحظه می‌زنی تیرم  
با غم و گریه‌ها رهایم کن  
ای عراق! از تو سخت دلگیرم...



میان خون  
ولادت مبارک

سعید سلیمان پور |

دلت دلت دلت، تمامی عشق  
شهید شو به نام نامی عشق  
شهید شو، بمیر و زنده‌تر شو  
پرنده بوده‌ای، پرنده‌تر شو  
شهادت است و حُسن انتخابی  
شکفته در دعای مستجابی  
میان خون، ولادت مبارک  
دلاورا، شهادت مبارک  
برای عشق خویش برگزیدت  
خدای تو شهید آفریدت  
به کف بنه دل شقایقی را  
به ما سپار داغ عاشقی را  
دلت دلیل راه ماست، سردار  
پر از شمیم کربلاست، سردار  
تو را قسم به داغ عشق، یارا  
به لاله‌ها رسان سلام ما را...

یادداشتی بر مجموعه شعر «نان و نمک میان گیسوان ته‌مینه»، سروده سرپا داودی حموله



عابدین پای

صنعت پردازی در شعر نو

در شعر ۱۸:  
«عنکبوت بر آسمان تار می‌تند  
کو بارانی  
که کهنگی دنیا را بشوید؟»  
از حیث جامعه‌شناسی سیاسی، شعر به  
دنبال تصویر کردن شدت خفقان اوضاع سیاسی  
و اجتماعی جامعه را در ذهن می‌پرورد و با برجسته  
شدن معنا این مهم صورت می‌پذیرد. برخلاف باد،  
ماه و تو که در اغلب اشعار شاعر نمایان اند، واژه  
عنکبوت و باران با احتیاط لازم در شعر شاعر اعمال  
شده و در این شعر تشریح واژه توسط خود واژه از  
نکات قوت و هنرمندانه شاعرند. لذا مخاطب با  
نوعی آشنائزایی معنایی تصادم دارد که هم باران  
نمادی از حرکت و پویایی به سمت جلو است و هم  
نمادی از پویایی به تاریخ و مقصود از کهنگی دنیا  
تنها جستار در قبل از تاریخ، تاریخ و فراتاریخ نیست.  
بلکه حال و گذشته را هم شامل می‌شود. جامعه‌ای  
که می‌سراید و می‌نویسد، پیروز است.



خوب خیمه زده و این مهم شاید به خاطر این است  
که او دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه  
است و خوب می‌داند که شعر یعنی صنعت و بدون  
صناعات ادبی در هیچ میدانی برای شاعر توفیقی  
حاصل نمی‌آید.

بهره‌گیری از صنعت استعاره، نماد، ایماژ  
و ایهام از دیگر نقاط قوت در شعر سرپا داودی  
در نان و نمک میان گیسوان ته‌مینه است. ولی  
مهمترین صناعات ادبی که در گزینش زبان شعری  
اش برجسته شده اند، ایماژ و مراعات نظیر است و  
می‌توان در این مجموعه شاعر را یک ایماژیست  
سرا معرفی کرد. جامعه‌شناسی واژه از اساسی‌ترین  
عناصری است که شعر شاعر را با خیزابه‌ای چندگانه  
مفهوم مواجه می‌کند که پشتوانه این جامعه‌شناسی  
واژه، گزینش واژه‌ها در شعر است.

حس نوستالژیک (وطن پرستی و میهن  
پرستی) نیز در نان و نمک میان گیسوان ته‌مینه از  
دیگر خصیصه‌های شاعرند که به خوبی تصویر شده  
اند. در شعرهای بلند «پا سوماش» (نام باستانی  
مسجد سلیمان)، تخت جمشید و سرخ‌واره  
های «آزنان» (نام باستانی سرزمین بختیاری)، به  
عینه این خصیصه‌ها به چشم می‌خورد. سرپا  
داودی در نان و نمک، میان گیسوان ته‌مینه، ابتدا  
در صدد ساختن پروژه ادبی است و به دنبال  
آن پروژه ادبی را پی‌ریزی می‌کند و در  
بخش نان و نمک، میان گیسوان ته‌مینه به  
یک «فرآیند» ادبی دست می‌یابد.

در شعر شماره ۹:

«در خوان هفتم  
رستم به ماه باخت  
تا شک کنی

به ته‌مینه‌هایی که در من زاده  
می‌شوند!»

شاعر از صنعت مراعات نظیر بهره‌وافی  
برده؛ چه این که پیامد این شعر، ذهنیت بخشی  
به جامعه زن در جهت هوشیاری است از ازمنه  
تاریخ. برجسته کردن ماه در دو معنی دور و  
نزدیک (ایهام) و واژه ته‌مینه از صنایع معنوی  
شاعرند.

«سرپا داودی حموله» که در سرشناسه  
کتاب «ثریا» آمده است و در عنوان و نام پدید  
آور «سرپا» پدید آورنده، این اثر است. این کتاب  
شعر با مشخصات ظاهری ۸۸ صفحه در قطع رقعی  
توسط انتشارات افراز چاپ و در اختیار جامعه شعر  
قرار گرفته است.

این مجموعه از سه بخش تشکیل می‌شود.  
در بخش اول، شاعر عنوان «گور خوانی» را  
برای اشعارش گزینش می‌کند و در بخش دوم  
مجموعه «خطابه هفتم سوفسطا» و سومین بخش  
مجموعه «نان و نمک میان گیسوان ته‌مینه» است  
که عنوان مجموعه شعر نیز از این بخش گرفته  
شده است.

در بخش گور خوانی که دربرگیرنده بیست  
شعر مینی‌مالیستی (کوتاه‌گویی) است، شاعر ساختار  
گراست. نوعی عقل‌گرایی، شاعر را در فضای کلماتی  
پساده می‌کند که این کلمات از حیث تیپ و معنا با  
همدیگر سنخیت ندارند، ولی شاعر به دنبال آشتی  
تضادهاست که این پارادکسیکال بودن بتواند پیامی  
سازنده و پر معنا را به جامعه منتقل نماید.

بخش دوم، یعنی «خطابه هفتم سوفسطا»،  
مشمول بر هشت شعر است. این بخش با  
شعر «پرسونا» آغاز می‌شود. همان‌طور که خود  
شاعر هم در پشت جلد کتاب، این شعر را درج  
کرده است، شعری است که از صنعت دیالوگ بهره  
می‌جوید.

سرپا داودی حموله، در سومین بخش  
کتاب، «نان و نمک میان گیسوان ته‌مینه» که  
متشکل از پنجاه شعر مینی‌مالیستی است، همان  
نان و نمک میان گیسوان ته‌مینه در طرح روی جلد  
کتاب است. سرپا داودی در این بخش، شاعری است  
که با پختگی اندیشه، در فضایی محدود بی‌محایا  
می‌تازد. نان و نمک در میان گیسوان ته‌مینه یک  
ناتورالیسم معنایی است. نوعی بازآفرینی معنایی از  
طبیعت است که در قالبی ساختارمند و معنامحور  
ترسیم شده است.

صنعت پردازی با استفاده بهینه از صناعات  
ادبی که امروزه در شعر خیلی از نوگرایان بی‌معناست  
و البته راه به جایی نبرده اند، در شعر سرپا داودی

نرود یاد تو از پهنه ایران هرگز

زاهدالدین سلگی |

آن که در جان و جهان شهره به خوشنامی بود  
رخ نورانی سردار سلیمانی بود  
بر دلت ره نبرد حلقه ارباب جهان  
در نظرگاه بلندت همه‌اش فانی بود  
گر فدای تو نشد جان حقیرم افسوس  
زندگی بعد توام حسرت و حیرانی بود  
بعد جان دادن تو، جان به تنم سنگین است  
ای که جانم همه‌اش اسوه قرآنی بود  
بر قدمگاه تو آن روضه رضوان خوش‌باد  
وه که شایسته تو عالم ربانی بود  
قاتل کوردلت روز خوشش یار میاد  
دشمنی با تو همه میوه نادانی بود  
نرود یاد تو از پهنه ایران هرگز  
عشق تو بر دل ما دُر سلیمانی بود  
بعد تو شعر نگوید دگر از بلبل و گل  
شاعری که همه جا مست غزلخوانی بود

برجای مانده

الهه شیرخدا |

از اتاق سه دیوار مانده  
و بر زمین، لباس‌های لخت بی بدن  
که بوی تو را پشتِ کوک‌هاشان  
پنهان کرده‌اند  
از لیوان‌ها خاطره لب‌هایت  
سیبی که گاز زده‌ای  
نقشه‌ای ساخته  
که در آن زندگی می‌کنم







• رضا رفیع

از فرمایشات ما!

## دستگیری يك آبدارچی نما!

چندوقت پیش، در حالی که از آسمان خدایرف می بارید و از زمین بنده خدا حرف؛ در صفحه اول یکی از جراید یومیۀ خودمان این تیتر درشت خبری به شدت خودنمایی می کرد: «سرقّت یک میلیارد تومانی آبدارچی از بانک!...» (توضیح لازم این که علامت تعجّش را نگارنده اضافه کرده است. در اصل خبر نبود. شاید در ذات خبر بوده است.)

این خبر داغ در این هوای سرد زودرس که از اواسط آبانماه خودنمایی کرده تا که ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد؛ بدجوری چسبید. بله، بدجوری!... یعنی که این اتفاق، هم بد بود، هم جور نبود. یعنی چی که یک آبدارچی یک میلیارد تومان سرقّت کند؟... سابق اگر تک و توکی از آبدارچی ها خلاف می کردند، در حدّ یک پول چای بود و بس. چه شده که یک آبدارچی همچین جرأت و جسارتی پیدا کرده؟...



خلاصۀ خبر از این قرار بود که در پی گزارش مسؤولان یکی از شعبه های بانک در شهر قم، مبنی بر این که موجودی بانک به مبلغ یک میلیارد تومان با استفاده از رمز گاو صندوق سرقّت شده است؛ مأموران دزدبگیر

اداره مبارزه با سرقّت پلیس آگاهی، تحقیقات عمیق خود را آغاز می کنند که بلافاصله از میان کارمندان بانک، به یک نفر آبدارچی آنجا شنیداً مشکوک می شوند. ظاهراً وی به تازگی اقدام به خرید یک دستگاه خودرو مدل بالا و مقادیر معتنابهی دلار برای خودش کرده بوده است.

### شیوۀ سنتی شناسایی:

هر که از حد گذشت سیم و زرش

یا خودش دزد بوده یا پدرش!

### دلیل علمی - کارشناسی:

متمول نشود هر که نشد اهل فساد

تا که دندان نخورد کرم، طلایی نشود  
**نتیجۀ گیری اخلاقی:** اگرچه این سرقّت بی سابقه، خودش یک عمل غیراخلاقی است که بدآموزی دارد؛ اما از دل همین خبر ناگوار هم می شود - حتی به زور - نتایجی اخلاقی گرفت که خوش آموزی داشته باشد. پس به اتفاق شما و خانواده، نتیجه می گیریم که:

**۱- سرقّت زشت است:** دزدی کلاً و از بیخ - و بلکه بیشتر - یک کار زشت و قبیح است که برای همه بد است. خصوصاً برای شما!... می خواهد طرف خدای نکرده مثلاً رئیس یک بانک باشد یا یک آبدارچی بانک. کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم. از تشخیص مصلحت هم بپرسید، همین را می گوید.

**۲- استثناء بودن عمل:** تمام آبدارچیان عزیز ما در ادارات و سازمان ها - و حتی همین عزیز آقای آبدارچی ما که الان وسط مطلب برای ما چایی آورد و زیر چشمی نگاهی هم به تیتر مطلب امروز ما انداخت و سینی اش کج شد - عموماً از اقشار زحمتکش جامعه هستند که بعضاً صورت خود را با سیلی سرخ نگه می دارند و حتی اهل پول چایی هم نیستند؛ تا چه رسد که دست به سرقّت بزنند. آن هم نه میلیونی که میلیاردی!... فلذا به ضرس قاطع بدانید و مطمئن باشید که شخص مذکور یک «آبدارچی نما» بوده که از حیث اخلاق به شدت چاییده!

**۳- بالا نبردن سطح توقع آفتابه دزد:** همه ما باید طوری رفتار کنیم که خدای نکرده تخم دزد را به سمت دزدیدن شتر سوق ندهیم. همه کسانی که پست حساس اقتصادی دارند، مسؤولند. حتی بنده ای که دارم مطلب می نویسم و ممکن است با آب بستن به مطالبم، مرتکب دزدی شوم و سطح توقع برخی آفتابه دزدهای انگشت شمار را بالا ببرم. طوری که میل کنند آفتابه را با خود دستشویی، به صورت یکجا، سرقّت کنند. حال آن که در گلویشان گیر خواهد کرد.

**۴- کار هر بز نیست:** دزدی چنان که عرض کردیم، یک کار بد است و همیشه از اقشار زحمتکش جامعه به دور بوده است. این قبیل افراد اصلاً این کاهاره نیستند و اگر هم خدای ناکرده، زبانم لال زبانم لال، شیطان آنها وقتاً گول بزند، یقین بدانید که به کاهدان می زنند. اینرو امیدواریم که این سرقّت یک میلیاردی توسط یک آبدارچی نمای گول خورده نیز درس عبرتی برای سایرین گردد و بدانند که به قول معروف، کار هر بز نیست خرمن کوفتن!... اسنادش هم موجود است. دزد حاضر و بز حاضر!... منظور همین داستان آبدارچی است که عرض کردیم. زیاده جسارت و موجب خسارت است.



• وحید حاج سعیدی

## سفرۀ حمایتی دولت و میکده خیام!

همان کارشناس مشعشع رسانه ملی، گردشگری را از یک اتاق به اتاق دیگر خلاصه کند. والا ما با هر ماشین حساب یا چرتکه ای که حساب می کنیم، سر در نمی آوریم که یک عده این همه پول را از کجا می آوردند که حاضر می شوند برای رفتن به قطب، ۵۰ میلیون تومان هزینه کنند؟! اینها چقدر حقوق می گیرند؟ یارانه شان چقدر است؟ شاید یارانه معیشتی جدیدی دریافت می کنند که این ۶۰ میلیون از آن محروم اند؟!

چقدر کود با گندم قاطی می کنند و دوباره به دولت قالب می کنند؟ چه مقدار کاکل ذرت را به جای زعفران قالب می کنند؟ چطور در کف رودخانه هتل می سازند و شورای روستا متوجه نمی شود؟ چقدر و چگونه زمین می خورند؟ جریمه ماده صد برای یک طبقه، دو طبقه، سه طبقه نه برای یک برج روی یک واحد شش طبقه؟ چطور یک خانم مدیر که آلو توی دهان شان خیس نمی خورد، چند میلیارد اختلاس می کند که حتی شوهرش هم متوجه نمی شود؟ قیمت محصولات لبنی را در عرض چند ماه چطور ۵ بار عوض می شود و هیچ نهاد نظارتی متوجه نمی شود؟!

در واقع، الان اگر کسی سفر برود، باید گفت خدا پدرش را بیامزد که وقت سفر ز ما یاد نکرد و گرنه تا چند هفته باید حرص و حسرت می خوردیم که فلان فلان شده از کجا این همه پول آورده است! علی ای حال با این اوضاع درآمدی و قیمت های سر بالا، اوضاع دلار و بنزین، نظارت های ابکی، بسته های معیشتی یک درمان و... چاره ای برای خلق الله نمی ماند و گاهی اوقات آدم هوس می کند مثل خیام خدا بیامرز، بزند به سیم آخر و (اگر نهاد های نظارتی و امنیتی گیر ندهند) عزم می کند و سفره حمایتی دولت را با مخلفاتش همان جا وسط می کند و داد بزند:

تاچند حدیث پنج و چار، ای ساقی

مشکل چه یکی، چه صد هزار، ای ساقی

می نوش و گلی بچین که تا درنگری

گل خاک شده است و سبزه خاشاک شده است!

و گرنه راه دیگری به ذهن کژ اندیش حقیر سراپا تقصیر نمی رسد! (ظاهر از فرط خوشی یا خوش خیالی، زدید ابیات دو رباعی بی ربط به هم از خیام را، به هم ربط دادیم. ببخشید قاطی کردیم!)

چندی قبل بود که دولت، خیلی قاطع و چکشی اعلام کرد که پروژه حذف چند تا صفر از پول ملی را کلید زده است و اصلاً هم صحبت از لو رفتن عملیات یا مطلع شدن در صبح جمعه و شل کن سفت کن نبود! اما ظاهراً این کار ها از عهده مردی که دوست دارد همه کار ها را یک تنه انجام دهد، بر می آید و فعلاً کسی برای این پروژه تره خرد نمی کند و باید به خاطره ها بیبوند.

هر چند از بانک مرکزی و وزیر محترم اقتصاد پنهان نیست، از شما چه پنهان، حذف صفر از پول رایج مملکت مدت هاست آغاز شده است. فقط کتبی نیست و به صورت شفاهی اعلام می شود! در حقیقت از همان روزی که امیرخان قلعه نوعی چند سال قبل در برنامه ضاله نود، در مقابل چشم میلیون ها بیننده، هفت هشت تا صفر از مقابل پول ملی حذف کرد و گفت: ما امسال برای شاد کردن دل مردم اصفهان برای تیم سپاهان ده تومن هزینه کردیم و فردوسی پور خدا بیامرز پرسید منظور تون ده میلیارد تومنه دیگه؟! ما یقین پیدا کردیم که پول چرک کف دست است و از علف خرسی که با دلار ۴۲۰۰ تومانی وارد کشور می شود، بی ارزش تر شده است.

این مسأله تا جایی است که این روزها برای یک تک پا مسافرت تا آن طرف آب و خستگی کار را به در کردن، باید یک همیان سکه (نه از آن سکه ها بلکه سکه بهار آزادی) همراه داشته باشید! نه پدر جان، من با شما چه شوخی بی دارم؟! اخیراً اگر چرخ در اینترنت زده باشید یا اگر هنوز با سامانه ۸۰۰ نگرفته باشید و پیامک تبلیغاتی دریافت می کنید، حتماً با تبلیغات سفرهای رؤیایی با قیمت های ناچیز مواجه شده اید.

پیام هایی که در آن فقط عدد قید است و از کلمه ریال، دینار، دلار، پارسه و... خبری نیست. مثلاً قطب شمال ۸ روزه ۵۴ تومن! البته منظور ۵۴ میلیون است نه ۵۴ میلیارد و واحد مالی مورد نظر تومان است... یا تور کانادا ۱۷ روزه فقط ۹۴ تومان... کشتی کروز ۱۰ شب ۳۳ تومان... تور ۱۲ روزه جنگل آمازون ۳۹ تومان...

حقیقت امر، اگر قبلاً می گفتند بسیار سفر باید تا پخته شود خامی، الان دوره و زمانه عوض شده است و تنها با دیدن لیست قیمت های نجومی بلیط هواپیما و قطار و اتوبوس و... تا بصل التخاع آدمی مغز پخت می شود! فلذا آدمی ترجیح می دهد مثل



تیسرو تفکر



آیت نادری

\* متولد ۱۳۵۹، اصفهان

\* فارغ التحصیل رشته گرافیک از دانشکده سروش اصفهان

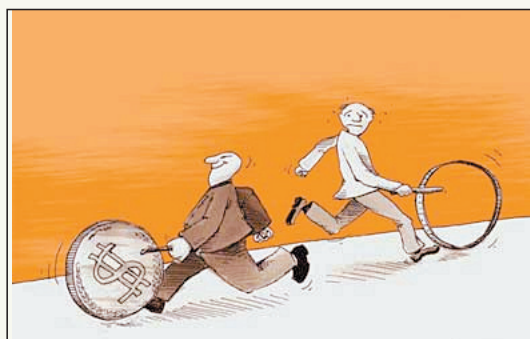
\* فعالیت در زمین < کاریکاتور از سال ۱۳۷۶

\* مدرس کاریکاتور اصفهان

\* حضور در نمایشگاه های فردی و گروهی در زمینه کاریکاتور

و گرافیک

\* کسب مقام در چندین جشنواره داخلی و خارجی





## امروز در تاریخ

## پیش بینی دکتر میلیسیو

مجلس شورای ملی ۱۷ دی ماه ۱۳۳۳ اختیارات دکتر میلسپو مستشار آمریکایی مالیه ایران را که با مدیر کل وقت بانک ملی درگیری پیدا کرده بود لغو کرد. میلسپو معتقد بود که تا ایران به مالیات دادن عادت نکنند، بورو کراسی پیچیده ایران - از ارتشاء، پارتی بازی و توصیه تا تبلی کارمندان، بی اعتنائی نسبت به مراجعین، بی دقتی امروز و فردا کردن از میان نرود و نظام استخدام دولتی دگرگون نشود - در سیستم رسمی و قراردادی در نباید مسان، ایران حان نخواهد شد.

## روزی که یهلوان تختی از دست رفت

پلیس تهران ۱۷ دی ماه ۱۳۴۶ هجری خورشیدی  
خبری را در اختیار خبرنگارانی که اخبار جنایی شهر را  
پوشش می دادند قرار داد که حاکی از آن بود که غلامرضا  
تحتی پهلوان معروف کشتی که شهرت به پیروی از خط  
دکتر مصدق و مخالف باروش حکومت کردن شاه را  
داشت در یک هتل شهر کوشک کرده و طبق یادداشتی  
که بر جای گذارده انگیزه او مشکلات داخلی بود، است.

## ماموریت ژنرال هایزر در تهران

۱۷ دی ماه ۱۳۵۷ افساء شد که «رابرت هایزر» ژنرال آمریکایی و معاون نیروهای مسلح ناتو در اروپا به تصمیم جیمی کارتر رئیس جمهوری وقت آمریکا وارد تهران شده و مذاکرات خود را با مقامات نظامی ایران آغاز کرده است و این مذاکرات احتمالا درباره سرنوشت شاه و حقیقت یابی در زمینه کابینه شاپور بختیار، کسب نظرات افسران ارشد ارتش و روند انقلاب بود.

## ایجاد «مملکت سعودی»

عبدالعزیز بن عبدالرحمن السعود ہفتم ڈائریہ سال ۱۹۶۶ خود را پادشاہ حجاز اعلام داشت. عبدالعزیز از اختلاف شریف مکہ با دولت انگلستان استفادہ کردہ و حجاز را ہم بر قلمرو خویش افزود و خود را سلطان نجد و حجاز اعلام داشت. وی قبلاً تنها سلطان نجد بود. دولت لندن بناچار طبق عہدنامہ سال ۱۹۲۷ جدہ قلمرو حکومت عبدالعزیز را راضی سمیت شناخت.

۱۷۱۴: نخستین ماشین تحریر جهان که به دست هنری میل ساخته شده بود در لندن به معرض تماشا گذارده شد.

www.iranianshistoryonthisday.com

## قالب امروز



بزرگراه سردار سلیمانی، بزرگراه رسالت (سابق)

سرایه

ای در خم چوگان تو سرها شده گوی  
بیرون نه ز فرمان تو دل یک سر موی  
ظاهر که به دست ماست شستیم تمام  
باطن که به دست توست آن را تو بشوی  
ابو سعید ابو الخیر

## پند بزرگان

اگر به زندگی خود علاقمندی، به زندگی دیگران هم علاقمند باش.

**وامیراند**

زندگی هیچ کس، هیچ گاه و هیچ کجا جدا از زندگی دیگران نمی تواند باشد.

**ریمسکی کورساکوف**

**سودو کو**

	๑				๓		๒
๓		๒	๖				๙
				๔	๖		
			๙		๕	๓	
	๑					๒	
	๒	๔			๕		
		๖		๙			
๑					๖		๕
๒		๕				๑	

၈	၆	၇	၃	၅	၁	၄	၂	၉
၃	၄	၁	၈	၆	၇	၂	၅	၉
၂	၅	၁	၃	၄	၁	၈	၆	၇
၇	၈	၆	၁	၂	၃	၅	၄	၉
၅	၂	၃	၇	၈	၄	၁	၆	၉
၁	၁	၄	၆	၃	၅	၇	၈	၂
၄	၇	၈	၅	၁	၆	၁	၂	၃
၆	၃	၂	၁	၇	၈	၄	၁	၅
၁	၁	၅	၄	၂	၃	၆	၇	၈

حل ۲۶۵۱

## جدول شرح در متن

[illegible]